

پرسمان

پاسخ به مهمترین پرسش‌های مطرح در حوزه های
سیاسی، اقتصادی، فرهنگی

مرداد ۱۳۹۷

فهرست مطالب

۳	فصل اول: انقلاب اسلامی
۶	فصل دوم: مقابله با آمریکا / برجام / مذاکره
۱۵	فصل سوم: مسایل اقتصادی
۲۶	فصل چهارم: مسایل فرهنگی
۳۰	فصل پنجم: مسایل سیاسی
۳۴	فصل ششم: جریان‌های سیاسی
۴۱	فصل هفتم: عملکرد رهبری
۴۶	فصل هشتم: عملکرد دستگاه قضایی
۴۸	فصل نهم: عملکرد سپاه پاسداران
۵۶	فصل دهم: مسایل منطقه‌ای

فصل اول: انقلاب اسلامی

۱. در چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان ملت ایران از یک سو برای افزایش فشارهای اقتصادی و از سوی دیگر برای ناامید سازی مردم نسبت به آینده تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند، با توجه به این مسائل چه آینده‌ای پیش روی انقلاب اسلامی وجود دارد؟

در بحث آینده انقلاب اسلامی باید به بحث اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی توجه داشته باشیم. انقلاب اسلامی در عصر حاضر و در دوران معاصر تنها انقلابی است که آرمان‌های مشخصی را با مسیر مشخص برای خودش تبیین کرده است؛ چرا که انقلاب دینی و اسلامی است و مبانی و اصول خاصی دارد. آنچه حضرت آقا از آرمان انقلاب اسلامی تحت عنوان پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی و حیات طیبه یاد می‌کنند، در واقع نشان می‌دهد انقلاب اسلامی نقطه‌ای را نشانه‌روی کرده و قله‌ای را مشخص کرده که باید در آن قله قرار بگیرد و شاید دلیل اصلی این شدت دشمنی دشمنان هم همین شفاف بودن آرمان‌های ملت ایران است؛ استقلال، عزت و پیشرفت.

در جایی امام خامنه‌ای فرمودند اگر می‌خواهیم آرمان را در یک کلمه خلاصه کنیم، آن کلمه «پیشرفت» است؛ یعنی پیشرفت هم در حوزه مادی و هم در حوزه معنوی. البته ایشان شاخص را هم در پیشرفت مشخص کردند که در هر حوزه چگونه است. برای نمونه در بحث تولید علم ایشان عبارت‌های زیبایی دارند و می‌گویند باید در حوزه تولید علم آنچنان پیشرفت کنیم که در آینده نه چندان دور در اقصی نقاط جهان اگر کسی بخواهد با علم روز آشنا شود، باید زبان فارسی را یاد بگیرد که این یک نشانه‌سازی است و انقلاب اسلامی می‌خواهد ملت ایران را به چنین نقطه‌ای برساند. اسلام برتر است و برتر از اسلام وجود ندارد؛ این اصلی است که در دین الهی ما مطرح می‌شود. با توجه به اینکه انقلاب ما اسلامی و دینی است، دشمن نگران این است که

انقلاب ما و جمهوری اسلامی و ملت ایران اسلام را به معنای حقیقی پیاده کنند که این پیاده کردن اسلام، یعنی پیشرفت، حیات طیبه و اصلاح. بر اساس اسلام و ارزش‌های انسانی و همچنین قانون اساسی، آرمان انقلاب اسلامی سعادت نوع بشر روی کره زمین است؛ از این رو دشمنان با ما مشکل دارند و سنگ‌اندازی می‌کنند. در این فضا و به ویژه در مقطع فعلی که دشمن جنگ ترکیبی با ما دارد و اصرار می‌کند که سال چهارم پیروزی انقلاب اسلامی سال فروپاشی آن هم است، این سؤال مهم مطرح می‌شود که آینده انقلاب اسلامی چه خواهد بود؟

معتقدیم انقلاب اسلامی آینده خیلی روشن و درخشانی دارد و باید از این مرحله عبور کنیم؛ چرا که ما در این چهل سال گذشته شرایط سختی را پشت سر گذاشتیم که شاید بسیاری از نسل جوان آن را نشنیده‌اند و آن را لمس نکرده‌اند. شرایط دهه شصت برای ما به مراتب شکننده و سخت‌تر از الان بود؛ چرا که ما آن موقع امکانات امروز را نداشتیم و باقی ماندیم. در چهل سال گذشته روند حرکت انقلاب رو به جلو بوده است، اگرچه در داخل یکسری غفلت‌ها و کم‌کاری‌هایی شده، امروز هم آسیب‌های ما که جدی شده، ناشی از همین‌ها است. اگر امروز آسیبی وجود دارد حتی در حوزه معیشتی، برای عبور از این وضعیت ظرفیت‌های بالایی هم داریم.

باید کار و تلاش کرد؛ به عبارتی باید با تلاشی ۲۴ ساعته و با باور اینکه در جنگ اقتصادی هستیم، تلاش کنیم. مفهوم اینکه می‌گوییم باید بجنگیم، این است که همه از جمله دولتمردان و وزرا به ویژه وزرای که نوع کارشان در معیشت اقتصاد تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد، پای کار باشند و فعالیت مضاعف کنند. بنابراین آینده روشن است و موقعیت ما در منطقه بسیار خوب است و مشکلاتی هم که در داخل داریم، قابل حل است؛ اما به اهتمام بیشتری نیازمند هستیم و اینکه باید نقشه راهی که رهبری به ویژه در زمینه اقتصاد مقاومتی تبیین کردند، جدی بگیریم و خیلی دل خوش نکنیم به اینکه غربی‌ها از ما گره‌گشایی کنند، چون این دل‌خوش کردن به دیگران نوعی فرصت‌سوزی است. ما از این مرحله عبور می‌کنیم.

امروز آمریکایی‌ها می‌خواهند با فشار اقتصادی ما را از منطقه بیرون کنند؛ اما همه شواهد نشان می‌دهد دوران آمریکایی‌ها در منطقه پایان یافته و جمهوری اسلامی در منطقه ماندگار است. همه می‌گویند آمریکایی‌ها اقتصاد ایران را دچار فروپاشی می‌کنند؛ اما شواهد و قراین نشان می‌دهد اقتصاد ایران اگرچه اشکالاتی دارد، اما فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی دارد که این اشکالات برطرف می‌شود و وضعیت اقتصادی رونق می‌گیرد. اینجا به مجاهدت نیاز است؛ امیدواریم با اهتمام‌هایی که در حال شکل‌گیری است، بتوانیم از این مرحله عبور کنیم.

۲. جنگ روانی یکی از شیوه‌های سه‌گانه دشمن برای ناامیدسازی مردم از انقلاب اسلامی است. برای مقابله با آن چه باید کرد؟

مجموعه‌ای از اقدامات لازم است. جنگ روانی از طریق شایعه، دروغ‌پردازی و حتی برجسته‌سازی و خیلی تکنیک‌های دیگر، مانند اتهام و افترا بستن و وارونه جلوه دادن حقایق و واقعیت‌ها از عوامل مؤثر در ایجاد

تغییر در کشورها است که دشمن به کار می‌بندد. اینجا ابتدا باید ابزار و امکانات این کار را از دشمن گرفت. آنچه مطرح می‌شود، این است که افکار عمومی و مدیریت فضای مجازی و مدیریت شبکه‌های مجازی از سوی دشمن در همین راستا انجام می‌شود و امروز دشمن برای مدیریت افکار و آرای ملت ما به ابزار و وسایل نوینی دسترسی پیدا کرده است. متأسفانه، در سال‌های اخیر غفلت‌هایی صورت گرفته که باید دلایل آن بررسی شود. برای نمونه، در این زمینه اغتشاشات یک دهه گذشته همگی بر بستر همین شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت. فیس‌بوک و توئیتر در اغتشاشات سال ۸۸ و تلگرام و اینستاگرام در اغتشاشات دی ماه سال گذشته نقش مؤثری داشتند. دشمن از همین ابزار برای ایجاد تحریک و ایجاد اغتشاش و ناآرامی استفاده کرد و مردم باید در جریان واقعیت‌ها قرار بگیرند.

دشمن به نوعی سیاه‌نمایی و برجسته‌سازی می‌کند. در این راستا، باید ضمن تبیین واقعیت‌ها برای مردم و نسل جوان، داشته‌ها و ظرفیت‌های کشور که از آن غفلت شده، برای نسل جوان تبیین شود که آنها بدانند راه و چاره عبور از مشکلات چیست. باید با مفسدان اقتصادی برخورد جدی شود تا دشمن در عملیات روانی خلع سلاح شود؛ به عبارتی، باید چندین اقدام همزمان صورت گیرد؛ یکی از مهم‌ترین آنها مبارزه و برخورد سریع با مفسدان اقتصادی است که با اموال مردم ثروت‌اندوزی نامشروع داشته‌اند و ثروتمند شده‌اند. باید با کسانی که در افکار عمومی به اخلال در نظم عمومی متهم‌اند و در روند معیشتی رویکردهای منفعت‌طلبانه و سوداگری دارند، برخورد جدی شود و پس از آن به اطلاع مردم برسد. آن چیزی که عامل نارضایتی مردم است، باید مورد توجه قرار بگیرد و تجزیه و تحلیل شده و به آن رسیدگی شود؛ پس هم آگاه‌سازی و هم اقدام عملی لازم است. اگر اینها هماهنگ با هم دنبال شود، دشمن ناتوان خواهد بود که بر روی افکار عمومی ملت تأثیر مطلوب خود را بگذارد.

فصل دوم: مقابله با آمریکا / برجام / مذاکره

۳. چرا آمریکایی‌ها در این روزها با صراحت بیشتری از تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران سخن می‌گویند؟

سخن آمریکایی‌ها بحث جدیدی نیست. از سال ۱۳۵۷، آمریکایی‌ها تلاش زیادی کردند تا جلوی پیروزی انقلاب را بگیرند و موفق نشدند و جمهوری اسلامی استقرار پیدا کرد. کاملاً آشکار بود که سیاست آمریکایی‌ها از بدو انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ساقط کردن جمهوری اسلامی بود؛ زیرا آمریکایی‌ها در انقلاب اسلامی مردم ایران بازنده اصلی بودند، چون ایران را که کشوری با موقعیت ژئوپلیتیک در منطقه غرب آسیا بود، از دست دادند. برای آمریکایی‌ها داشتن چنین موقعیتی در جهان به منظور بسط سلطه جهانی اهمیت داشت و جمهوری اسلامی ایران در این راه مانع اصلی آنها شد. آرزوی همه رؤسای جمهور آمریکا از ابتدا تا به امروز براندازی جمهوری اسلامی بوده تا این مانع را از سر راه خود بردارند؛ ولی آنها به خوبی آگاهند که هر کاری در این ۴۰ سال انجام دادند، نتیجه‌اش تقویت جمهوری اسلامی ایران بوده است.

آمریکا در ۱۷ سال گذشته، در منطقه غرب آسیا ۷ هزار میلیارد دلار هزینه کرده و دستاوردی نداشته است. دنبال چه چیزی بودند که این مبلغ گزاف را هزینه کردند؟ افغانستان و عراق را اشغال کردند. بعد جنگ‌های لبنان و غزه را راه انداختند و در سوریه و عراق بحران‌آفرینی کردند و با راه‌اندازی گروه‌های تکفیری مانند داعش فعالیت‌هایی کردند که هدف همه این اقدامات این بود که منطقه برای تسلیم ایران مهیا شود تا از این طریق بتوانند بر منطقه مسلط شوند. نتیجه همه هزینه‌هایی که آمریکایی‌ها کردند، تقویت جمهوری اسلامی بود.

امروز نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عراق، سوریه، یمن و لبنان دغدغه آمریکایی‌ها شده

است. در واقع، آمریکایی‌ها ۴۰ سال تلاش کردند جمهوری اسلامی را ساقط و تضعیف کنند؛ ولی ناموفق بودند. به طور قطعی رؤسای جمهور بعدی آمریکا هم این آرزو را خواهند داشت، اما آنطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، ترامپ آرزو به دل از کاخ سفید خارج خواهد شد و خواسته‌اش تحقق پیدا نمی‌کند. این وضعیت موجب عصبانیت روزافزون دشمن از جمهوری اسلامی شده است.

۴. آیا امکان خروج ایران از برجام وجود دارد؟

در پاسخ به پرسش که آیا ما در برجام می‌مانیم یا نه، باید گفت از صحبت‌های مقامات کشورمان معلوم است که معتقدند اگر بخواهیم در درازمدت در برجام بمانیم، دلیلی وجود ندارد. برجام برای رفع تهدیدها و محرومیت‌ها بود. باید فشارها برداشته می‌شد و اگر اروپایی‌ها در گذر زمان نشان دهند قادر نیستند اقدامات فشارآفرین آمریکا را جبران کنند و فشارها را بردارند یا کاهش دهند، بدیهی است جمهوری اسلامی از نظر عقل و منطق و شرع و عرف و دیگر استدلال‌ها محق است که در راستای تأمین منافع ایران (که شرط اصلی ماندن در برجام است) از آن خارج شود.

۵. پس از خروج عهدشکنانه ترامپ از برجام، سخن از تداوم برجام با اروپایی‌ها مطرح شد، آیا اروپایی‌ها مقابل آمریکا می‌ایستند و برجام اروپایی به منجر به نتیجه می‌شود؟

وقتی برجام اروپایی مطرح شد، رهبر معظم انقلاب مانند ابتدای شکل‌گیری برجام می‌فرمودند، من خیلی خوش‌بین نیستم به اینکه این مذاکرات بتواند گره‌گشایی از مشکلات ما داشته باشد؛ چون هر طرفی که در مذاکره وارد می‌شود، اهدافی دارد. اهداف جمهوری اسلامی از ورود به مذاکراتی که در نهایت به برجام منتهی شد، این بود که بتواند فشارها را از روی اقتصاد کشور بردارد. همان‌طوری که آقای روحانی در سال ۹۲ پیش از انتخابات و پس از انتخابات بحث مذاکره را با این هدف که ما فشار را از اقتصاد ایران برمی‌داریم، مطرح کرد. رهبر معظم انقلاب با صراحت می‌فرمودند من خیلی خوش‌بین نیستم که ما با این مذاکرات بتوانیم فشارها را از اقتصاد ایران برداریم و دیدیم که این درست بود و آمریکا از برجام خارج شد. این نگاه که ما برجام را با اروپایی‌ها ادامه می‌دهیم، لازمه‌اش این است که اروپایی‌ها در مقابل آمریکا بایستند و به جنگ با آمریکا بروند که قطعاً اروپایی‌ها با آمریکایی‌ها این کار را نخواهند کرد. مشخص است، در این مسیر فرصت‌چندانی نداریم و اروپا باید تعیین تکلیف کند که آیا حاضر است در کنار ایران در قبال محدودیت‌هایی که از سوی ما پذیرفته شده، مقابل آمریکا بایستد یا نه؟

۶. هدف آژانس انرژی اتمی از انجام بازرسی‌ها در دانشگاه‌های کشور چیست؟

بازرسان آژانس انرژی اتمی تیرماه سال جاری در حالی که نقشه آزمایشگاه‌های اساتید دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت را در اختیار داشتند به صورت محرمانه اقدام به بازدید و نمونه‌برداری از برخی از

آزمایشگاه‌های اساتید دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت کردند

بر اساس برآورد وزارت اطلاعات، آژانس درصدد بازرسی از دانشگاه‌های شریف، بهشتی، امیرکبیر، شیراز، کاشان، شاهرود می‌باشد و طی سال گذشته از دانشگاه‌های شریف، امیرکبیر و شهید بهشتی نیز بازرسی به عمل آمده و اساتید آنها توسط بازرسان آژانس مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند؛ این اقدام به استناد مقاله علمی منتشره یک دانشجوی در مجله بین‌المللی صورت می‌پذیرد. هدف آژانس از انجام بازرسی‌ها:

۱. طبق شواهد و قرائن موجود آژانس در یک تاکتیک اطلاعاتی جدید از پیگیری مباحث نظامی ایران یک گام به عقب رفته و تمرکز خود را بر روی دانشگاه‌ها گذاشته‌اند تا بتواند بسترسازی مناسبی برای پیشروی بعدی خود مهیا نماید و از امتیاز شکست اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران (واقعۀ شورآباد) در این راه بیشترین بهره را می‌برد. در این راستا بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از دانشگاه علم و صنعت در دستور کار قرار می‌گیرد و این امر در اواسط خردادماه اتفاق می‌افتاد که به نوعی پذیرش محدودیت‌های بیشتر از طرف ایران محسوب می‌گردد.

۲. همچنین از دیگر اهداف سرویس‌های اطلاعاتی حریف شناسایی زنجیره علمی پژوهشی و مشخص نمودن روابط، افراد و آزمایشگاه‌ها می‌باشد که از جانب بازرسان در حال پیگیری است. این امر با هدف رصد توان علمی کشور در زمین هسته‌ای و در نتیجه ایجاد محدودیت از طرق‌های گوناگون در این زمینه می‌باشد. در واقع آژانس با افشای اطلاعات صنعت هسته‌ای کشور درصدد فشار چندجانبه از طرف داخل و خارج کشور به چرخه تولید دانش هسته‌ای به منظور برچیدن این صنعت از کشور می‌باشد. تعطیلی بازوان علمی سازمان انرژی و ایجاد مسائل حاشیه‌ای و همچنین ایجاد فضای ترس از انجام کارها جدی و نوین در صنعت هسته‌ای از دیگر اهداف آژانس در این راستا می‌باشد.

۳. مطابق آنچه تاکنون احصاء شده آژانس معتقد است جمهوری اسلامی ایران پروژه‌های کلان خود را تقسیم کرده و بدون اطلاع رؤسای دانشگاه‌ها و اساتید، پروژه‌ها را مطابق پازل خود بین محققان تقسیم نموده و پیش می‌برد. بر این اساس آژانس با دانشگاه‌ها و اساتید خارجی، طرف قرارداد با دانشگاه‌ها و اساتید ایران، مصاحبه کرده و ضمن تخلیه اطلاعاتی در خصوص پروژه‌های مشترک با ایران، آنان را نسبت به کار با ایران حساس و حتی جلب همکاری کرده است.

۴. در خصوص تأمین تجهیزات پژوهشی بر اساس اسناد به دست آمده طرف غربی مصرف‌کنندگان نهایی تجهیزات را شناسایی نموده، دانشگاه‌های واسط را مشخص و افرادی که در این پروژه‌ها مشغول به همکاری بودند را معین نموده است.

۵. با توجه به اسناد به دست آمده، رصد مقالات علمی در حوزه هسته‌ای و موشکی در دستور کار سرویس‌های اطلاعاتی برای اشراف بر این صنایع قرار دارد که از آزمایشگاه‌های برق این دانشگاه نمونه‌گیری شده و اساتید آن مورد مصاحبه قرار می‌گیرند. باید خاطر نشان نمود اساتید دانشگاه علم و صنعت با صنایع

نظامی از جمله موشکی مرتبط می‌باشند و نقش کمرنگی در سازمان انرژی اتمی (صنعت هسته‌ای) دارا می‌باشند.

۲. بازرسی ماموران آژانس از دانشگاه‌های مطرح کشور چه پیامدهایی برای امنیت ملی به دنبال دارد؟

۱. با بازرسی ماموران آژانس از دانشگاه‌ها، تعطیلی بازوان علمی سازمان انرژی اتمی و مشغول‌سازی آن به مسائل حاشیه‌ای و ایجاد فضای ترس از انجام کارهای جدی و نوین در صنعت هسته‌ای کلید خورده است و تمامی موارد فوق‌الذکر به منظور ایجاد بستر مناسب و آماده‌سازی فضای فکری نخبگان و عموم مردم برای بازرسی از تأسیسات غیر هسته‌ای و نظامی به ویژه موشکی می‌باشد.

۲. بازدید بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از دانشگاه‌ها و مصاحبه با اساتید چندین مرتبه در طول برجام با همکاری مسئولان انجام شده و دولت با تکذیب این اخبار سعی در مخفی نگه داشتن آن از افکار عمومی داشته و در مواردی آژانس طی نامه‌ای رسمی به دفتر نمایندگی ایران در وین خواستار مصاحبه با چند نفر از اساتید دانشگاه می‌شود.

۳. اساس نظام بازرسی‌های صورت گرفته تکمیل پازل اطلاعاتی از مراکز و توانمندی‌های راهبردی، فناوریانه و اقتدارآفرین کشور است. لکن سکوت و تایید این اقدامات توسط نهادهای ذی‌ربط در کشور و باز شدن پای جاسوسان آژانس به فضاها و دانشگاه‌های عواقب سنگینی در حد ترور و یا تهدید مراکز و دانشمندان کشور را در حوزه‌های برق، هسته‌ای و موشکی به دنبال دارد. مقتضی است تا در اسرع وقت وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی به عنوان نهادهای مرتبط با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و همچنین وزارت علوم در جایگاه متصدی مدیریت دانشگاه‌های کشور نسبت به اقدام حرمت‌شکنانه اخیر توضیحات مربوطه را ارائه دهند. بدیهی است مسئولیت هرگونه تهدید برآمده از این بازدید و بازرسی‌های مشابه برای دانشمندان کشور بر عهده نهادهای فوق‌الذکر خواهد بود.

۴. آژانس علاقه‌مند است که این بازرسی‌ها باعث قطع کمک‌های مالی در زمینه آموزشی و تحقیقاتی سازمان انرژی اتمی و دانشگاه‌ها شود و هزینه تحصیل در این رشته‌ها را بالا ببرد که یکی از نتایج آن عدم پیشرفت حوزه دانش هسته‌ای و قطع ارتباط میان صنعت و دانشگاه است. بنابراین، در صورت ادامه روند کنونی در آینده با مشکل نیروی انسانی متخصص در این صنعت روبه‌رو خواهیم شد.

۵. حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) در دانشگاه‌های معتبر کشور یکی از موضوعاتی است که ضمن اینکه نگرانی‌های امنیتی، علمی و سیاسی به دنبال دارد، باعث مخدوش شدن استقلال کشور خواهد شد. همچنین بازرسی از دانشگاه‌های کشور با فرمایشات مقام معظم رهبری و مصالح ملی نیز مغایرت دارد؛ زیرا این پرسش و پاسخ‌ها موجب شناسایی شخصیت‌های نخبه، تاثیرگذار و دانشمندان شده و آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد. مقام معظم رهبری در دوم تیرماه سال ۹۴ در جمع مسئولان نظام تاکید داشتند که «با بازرسی‌های غیر متعارف هم بنده موافق نیستم؛ پرس‌وجوی از شخصیتها را هم به‌هیچ‌وجه قبول

ندارم و موافق نیستم.

۸. این روزها ترامپ با طرح مذاکره بدون پیش شرط با مقامات ایران مرحله جدیدی از عملیات روانی با هدف اجماع و فضا سازی علیه ایران را کلید زده است، آیا وی موفق به این امر می شود؟

آمریکایی ها برخی خصوصیات یکسانی دارند؛ اما از زمانی که آقای ترامپ به قدرت رسید، اساساً یک نوع جبهه بندی و سهم بندی جدیدی شکل گرفت. او تاجر است و فکر می کند با منطق تجارت می تواند در عرصه سیاست جهانی حاضر شود. بر همین اساس، حتی با کانادا هم مشکل پیدا کرد و با چین جنگ تعرفه ای راه انداخت. مشکلاتی هم با اروپا پیدا کرد، بر اساس این روند را این گونه می بینیم که آمریکا با این وضعیت روز به روز ظرفیت اجماع سازی علیه جمهوری اسلامی را از دست می دهد؛ به ویژه آنکه به طور یک طرفه از برجام خارج شد. برجام یک توافق بین المللی بود که یک طرف آن ایران و یک طرف دیگر آن گروه ۵+۱ بود که آمریکایی ها از آن خارج شدند و نقض تعهد کردند. این نشان داد، آمریکایی ها اعتبارشان را در گذر زمان از دست می دهند. بنابراین با کم شدن اعتبارشان توان عمل علیه کشورهای دیگر را هم از دست می دهند. به هر حال می توان گفت آمریکایی ها مانند گذشته قدرت اجماع سازی علیه ایران را ندارند.

۹. یکی از موضوعاتی که این روزها خبرساز شده و حواشی زیادی داشته، پیشنهاد ترامپ برای مذاکره است؛ در این باره و امکان سنجی این مذاکره توضیح دهید؟

اینکه آقای ترامپ مطرح می کند آماده است با مقامات ایرانی ملاقات و مذاکره کند، آرزویی است که به آن نمی رسد و تحقق پیدا نخواهد کرد؛ چرا که پیش از برجام نگاهی خوش بینانه در ایران وجود داشت که از طریق مذاکره می توان مشکلات را حل کرد؛ اما پس از اینکه برجام اجرا شد و خود ترامپ خیلی راحت از آن خارج شد و شروع به تهدید ما کرد و در کنار این تهدید و اعمال فشار ما را به مذاکره هم دعوت کرد، دیگر چگونه می توان به او و آمریکا اعتماد کرد؛ زیرا حتی ممکن است رئیس جمهور بعدی آمریکا آن توافق را زیر پا بگذارد و دوباره تهدید کند و مذاکره دیگری را شکل دهد. من فکر می کنم همان جمله ای که آقای روحانی پس از صحبت های ترامپ و رفتارهایش مطرح کرد، درست ترین جمله است که گفته شد مگر کسی دیوانه باشد که بیاید با شما مذاکره کند، با شما که به آنچه متعهد می شوید پایبند و وفادار نیستید. بنابراین دیگر در کشور ما هیچ آدم عاقل و منصفی وجود ندارد که دم از مذاکره بزند، هر چند افرادی واداده و شکست خورده سیاسی این موضوع را مطرح کنند؛ ولی اساساً افرادی که منصف و آگاه هستند، تدبیری دارند و به منافع ملت توجه دارند، می دانند که هر نوع مذاکره با آمریکایی ها با منافع ملی ما در تعارض است. مواضع مسئولان ارشد نظامی ما را هم در این امر دیدید.

اشتباه محاسباتی آنها این بود که می توانند با خروج از برجام و اعمال فشار، ما را به میز مذاکره بکشانند و

خواسته‌های خود را مطرح کنند. بحث جنگ، شدت دادن به تحریم‌ها و فلج کردن اقتصاد کشور یک هدف بیشتر ندارد. آمریکایی‌ها قادر به جنگ با ما نیستند، قادر به براندازی هم نیستند و چهل سال است که تلاش می‌کنند. آنها زمانی که قدرت بلامنازع بودند، نتوانستند، حال که جمهوری اسلامی قدرتمند شده و آنها در نهایت ضعف هستند، این براندازی محال است. آقای ترامپ اگر چه با خروج از برجام و اعمال این فشارها هدفش مهار ایران بود؛ اما همه پل‌های پشت سرش را خراب کرد و کسی هم در جمهوری اسلامی به دنبال این نیست که برای تأمین منافع ملت ایران با آقای ترامپ مذاکره کند.

۱۰. با توجه به اینکه ترامپ آمادگی خود را برای مذاکره بدون پیش شرط اعلام کرد چرا جمهوری اسلامی ایران مخالفت کرده است؟

اگرچه برخی از افراد در واکنش به درخواست مذاکره از سوی ترامپ استقبال کرده و با فرصت خواندن آن پیشنهاد پذیرش مذاکره را دادند یا برخی دیگر با طرح این موضوع که در جهان کنونی مذاکره نه سازش است و نه تسلیم، مذاکره مذاکره است، به نوعی آن را توجیه پذیر دانسته اند، اما رویدادهایی که پس از تجربه برجام رخ داده است و اهداف راهبردی ترامپ و تیم او در کاخ سفید حقایقی را آشکار می‌سازد که می‌تواند دلایل محکمی برای عدم تمکین فشار - مذاکره رئیس جمهوری امریکا باشد.

۱. پس از توافق برجام دولت او با ما که خود امضاء کننده آن بوده، نه تنها به همه تعهدات خود عمل نکرد بلکه نقض‌های مکرری در طول دوران خود داشته که مهمترین آن تمدید ده ساله قانون داماتو بود که آقای روحانی رئیس جمهوری ایران از آن نقض فاحش یاد کرد. ترامپ نیز پس از ورود به کاخ سفید تحریم‌هایی را برخلاف تعهدات برجامی علیه ایران وضع کرد و سپس با خروج خود از توافق هسته‌ای که پشتوانه‌ای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را هم داشته، این توافق را از پایه فرو ریخت. از این رو با کدام منطق و عقلانیت می‌توان به درخواست مذاکره جواب مثبت داد و انتظار منفعت برای منافع ملی کشور داشت.

۲. مواضع اعلامی و اعمالی ترامپ و تیم او به وضوح نشان می‌دهد که محتوای مذاکره از پیش مشخص است. اهالی کاخ سفید نتایج دلخواه و مدنظر از مذاکره را قبل از هرگونه مذاکره اعلام کردند. ترامپ در سخنان و توثیفات‌های مختلفی اعلام کرد که «ایران باید اینگونه باشد»، پمپئو وزیر خارجه امریکا نیز ابتدا شروط ۱۲ گانه‌ای را برای مذاکره اعلام کرد. بار دیگر بلافاصله پس از درخواست مذاکره بدون شرط ترامپ، با تصحیح و تشریح موضع ترامپ، شروطی را برای مذاکره یادآور شد. پیش شرط‌های آکار و غیر آشکار مقامات آمریکایی نافی وجود اراده آنها برای گفتگوی سازنده است. در واقع در ذهن دولتمردان آمریکایی مذاکره به معنای بده و بستان نیست بلکه بده و نیستان است. بنابراین، وقتی نتیجه مذاکره‌ای که از قبل مشخص است و اراده حقیقی در آن دیده نمی‌شود، رفتن پای میز مذاکره خلاف عقلانیت در دیپلماسی است.

۳. تجربه مذاکره ترامپ با کیم اون که متأسفانه برخی بلافاصله از آن به عنوان الگویی برای جمهوری اسلامی معرفی می‌کردند، عبرت‌انگیز و درس‌آموز است. زیرا ترامپ برخلاف امضای سند توافق، خواسته

های اضافی و غیر سازنده ای را مطرح کرد به گونه ای که دولتمردان کره شمالی در واکنش به آن اعلام کردند در صورت ادامه فشارها برای این که کره شمالی «به شکل یک طرفه» دست از جنگ افزار هسته ای خود بردارد، در مورد مذاکرات با امریکا تجدید نظر خواهد کرد.

۴. اقدامات ترامپ با معاهدات بین المللی و اقدامات یک جانبه گرایانه دلیل دیگری است که مذاکره با امریکا ترامپ نه تنها فایده بر آن مترتب نیست بلکه ضرر آن مضاعف است. ترامپ پس از کمتر از دو سال از به قدرت رسیدن خود، تمام توافقات یا معاهدات از جمله توافق نامه ها با نزدیک ترین متحدان امریکا را پاره کرده و آن ها را زیر پا گذاشته است. ترامپ از معاهده آب و هوایی پاریس خارج شد و توافق مبادلات تجاری آزاد با متحدان اروپایی خود را لغو کرد و یک جنگ تجاری علیه آنان به راه انداخت و با در پیش گرفتن سیاست های حمایتی، مالیات هایی را بر کالاهای وارداتی از اروپا، کانادا و مکزیک اعمال کرد.

۱.۱. اهمیت تنگه هرمز چیست و چرا غرب از تهدید ایران در مورد بسته شدن تنگه هرمز به هراس آمد؟

موقعیت ترانزیتی و بحث انرژی، دو عامل اصلی اهمیت یافتن تنگه هرمز است. با وجود تلاش های گسترده برای ایجاد راه های جایگزین تنگه هرمز، همچنان ۱۷ تا ۲۰ درصد از نفت جهان از این باریکه دریایی می گذرد. به همین دلیل، تهدید ایران به بستن تنگه یا رزمایش های این قدرت در خلیج فارس، هنوز در راهبردهای امنیتی ایالات متحده رنگ نباخته است. اگر به خاطر بیاوریم که تحریم نفتی عربستان و متحدان در سال ۱۹۷۳، طی هفت ماه قیمت نفت را چندین برابر کرد، می توانیم متوجه شویم قطع ناگهانی نزدیک به یک پنجم نفت جهان، تا چه حد بر اقتصاد بین المللی اثر خواهد گذاشت؛ از همین رو فارن پالیسی، در مقاله ای تأکید داشته است: «تنگه هرمز تنها بر امنیت منطقه اثر نمی گذارد بلکه اقتصاد جهانی را تحت الشعاع خود قرار می دهد.» البته مسئله ترانزیت انرژی، تنها بخشی از موضوع اهمیت تنگه هرمز است. بحث صادرات و واردات به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز بسیار به این حوزه بستگی دارد و مختل شدن آن، در واقع، مختل شدن تجارت کشورهای حاشیه خلیج خواهد بود. این کشورها، متحدان نزدیک و اشنگتن هستند که با کمک های مالی، سیاسی و نظامی خود، کاخ سفید را در سد نفوذ منطقه ای ایران، یاری رسانده اند. متأثر از این موارد شاهد بوده ایم که پس از انقلاب اسلامی، همه رؤسای جمهور امریکا تهدید کرده اند اختلال در امنیت خلیج فارس را با ابزار نظامی پاسخ خواهند داد. حتی کارتر و اواما هم از این قاعده مستثنی نیستند. گفتنی است، طبق گزارش نیویورک تایمز، محتوای یکی از نامه های اواما خطاب به ایران، شامل هشدار درباره بستن تنگه هرمز می شده است. طبق گزارش این روزنامه، اواما تأکید کرده است امنیت تنگه هرمز جزء «خطوط قرمز» امریکا است و ایالات متحده به اخلاک گران «پاسخ نظامی» خواهد داد.

۱۲. ابزارهای ایران برای بستن تنگه هرمز چیست؟

با توجه به ظرفیت‌های موجود برای جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد ابزار مد نظر برای بستن تنگه هرمز، نظامی باشد. از این رو، باید دید از نظر نظامی، چه توانمندی‌هایی برای ایران در بستن تنگه وجود دارد. به طور کلی، توانمندی ایران در زمینه درگیری‌های دریایی، پایین نیست. براساس طبقه‌بندی پایگاه Global Fire Power، ایران از نظر توانمندی نظامی دریایی، پنجمین قدرت جهان است و چندان از آمریکا ضعیف‌تر نیست. بنابراین، در مجموع، دست و پای ایران برای بستن یا لاقط کردن عبور و مرور بسته نیست و در زمینه توانمندی نظامی کلاسیک دریایی، برخلاف حوزه هوایی قدرتمند است.

یکی از سلاح‌های ایران برای بستن تنگه هرمز که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ استفاده از مین برای بستن تنگه هرمز است. زمانی اهمیت این سلاح شناور را درک خواهیم کرد که به یاد بیاوریم نفت‌کش بریجتون با اصابت به این سلاح‌ها متوقف شد. ناو Samuel B Robert که با موشک، ناو سهند ایران را نابود کرده بود، در اثر اصابت به مین دریایی ایران به خارج از خلیج فارس منتقل شد. بنا بر تخمین وبگاه Global Fire Power، ایران ده کشتی مین‌انداز هم برای جاگذاری این مین‌ها در اختیار دارد. البته طی جنگ نفت‌کش‌ها، نیروی دریایی سپاه اثبات کرد که برای مین‌گذاری دریایی، به کشتی‌های مین‌گذار وابسته نیست. بنابراین، مین‌های پرشمار، به طور مسلم قدرت ایران برای بستن تنگه را بسیار بالا خواهد برد. پنج هزار مین می‌تواند خلیج فارس را به میدان مین خطرناکی برای همه کشتی‌های عبوری، اعم از نظامی و نفت‌کش تبدیل کند.

بزرگ‌ترین چالش برای نیروهای ضد ایرانی به منظور باز نگه‌داشتن تنگه، «موشک» خواهد بود. توانمندی موشکی ایران بر هیچ‌کس پوشیده نیست و چنان‌باعت نگرانی محور ریاض و آمریکا شده که بحث تحریم موشکی ایران را مطرح می‌کنند. همه موشک‌های ایران، قابلیت ضربه زدن به نفت‌کش‌ها و کشتی‌های نظامی در دریای عمان، خلیج فارس و حتی کیلومترها دورتر از آن را دارند. با وجود این، در این گزارش موشک‌هایی تأیید می‌شود که بیشتر سطح به دریا هستند یا قابلیت شلیک از روی قایق را دارند.

تعداد موشک‌ها، سرعت، اندازه کوچک و گاه ارتفاع پایین آنها سبب می‌شود هر دشمنی در مقابله با آنها در محدوده کوچکی، همچون خلیج فارس، شکست بخورد. با توجه به برد موشک‌های یاد شده و با عنایت به این مهم که ایران ۱۸۰۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد، در واقع، تهران اگر تنها بخواهد از موشک‌های سطح به دریای خود استفاده کند، ۱۸۰۰ کیلومتر فضا برای این منظور در اختیار خواهد داشت. در مقابل، آمریکا اگر بخواهد کاملاً عبور و مرور نفت‌کش‌ها در خلیج فارس را تأمین کند، باید ۱۸۰۰ کیلومتر را شبانه‌روز زیر نظر داشته باشد. امری که نزدیک به ناممکن‌هاست. طی جنگ خلیج فارس هم، بیشترین حمله‌ها با موشک انجام شده است. از ۳۴۰ مورد، ۱۸۷ حمله با موشک انجام شده است.

بر اساس این، اگر در نظر بگیریم که ایران بخواهد تنها با اتکا بر توانمندی موشکی خود، اقدام به بستن

تنگه کند، با توجه به آمار ارائه شده، به حتم می‌تواند. چه برسد به اینکه دیگر توانمندی‌ها، نظیر قایق‌های تندرو، مین دریایی و زیردریایی‌ها هم به کار گرفته شوند. البته باید تأکید شود که اگر درگیری مجددی میان ایران و نیروی دریایی آمریکا بر سر خلیج فارس رخ دهد، به طور حتم ایران به جنگ نامتقارن دست خواهد زد؛ زیرا این شیوه، در همه جبهه‌ها، آمریکا و متحدانش را از نفس انداخته است.

برای اثبات این ادعا (توانمندی ایران در بستن تنگه هرمز)، باید به دو نکته دیگر اشاره شود: اول آنکه، شکست آمریکا در جنگ نفت‌کش‌ها، در حالی رقم خورد که ایران تحت تحریم شدید با نظام سیاسی نوپا و پس از هفت سال جنگ با صدام وارد این نبرد شده بود. نکته دوم، اعتراف مارتین دمپسی، رئیس ستاد کل ارتش آمریکا به این موضوع است. وی در سال ۱۳۹۰، در پاسخ به یک خبرنگار درباره توان ایران در بستن تنگه هرمز تصریح کرد: «بله! ایران می‌تواند تنگه را مسدود کند.»

۱۳. آیا بستن تنگه هرمز از سوی ایران، اجماع جهانی علیه ما را شکل می‌دهد؟

در بحث تهدید به بستن تنگه هرمز مبنا سخن رهبر معظم انقلاب بود که فرمودند: «تهدید را تهدید و موشک را با موشک پاسخ می‌دهیم.» در واقع زمانی که آمریکایی‌ها با استفاده از روحیه استکباری و با قلندری مطرح می‌کنند که قصد به صفر رساندن صدور نفت ایران را دارند تا نوعی حصر اقتصادی ایجاد کنند، طبیعی است که ملت ایران برای جلوگیری از چنین وضعیتی از همه امکانات خود استفاده خواهد کرد. ما در مقابل تهدید، تهدید کردیم. من فکر می‌کنم اگر آنها تهدید ما را همان‌طور که جدی است، جدی بگیرند، اساساً به سمت چنین امری نمی‌روند که جلوی صادرات نفت ما را بگیرند؛ زیرا دقیقاً منافع آمریکا و قدرت‌های غربی به خطر خواهد افتاد. حق ملت ایران است که از امکانات، توانمندی‌ها و اختیاراتی که در دست دارد، برای تأمین منافع و امنیت خود استفاده کند. آنچه مطرح شده، این است که نفت منطقه یا از همه کشورها باید صادر شود یا از هیچ کشوری، بر همین اساس اگر آمریکایی‌ها روند خود را ادامه دهند، به طور قطعی تنگه هرمز بسته خواهد شد و متضرر اصلی خود آنها هستند.

فصل سوم: مسایل اقتصادی

۱۴. مهم‌ترین راه برون‌رفت از وضعیت فعلی اقتصادی چیست؟

کشور در شرایط جنگ ترکیبی قرار دارد. دشمن اکنون بر اقتصاد تمرکز کرده است. برای جامعه و ملت ما اول باید این جنگ اقتصادی فهم شود و قوای مقننه، مجریه و قضائیه باید در رویکردها، جهت‌گیری‌ها و اقدامات‌شان این باور را داشته باشند که در جنگ اقتصادی قرار داریم. دشمن بنا را بر فشار گذاشته و ما باید ببینیم چطور می‌شود فشارها را خنثی کرد. به طور حتم راه خنثی کردن، تغییر نگاه دشمن برای برداشتن فشارها نیست؛ بلکه باید به ظرفیت‌هایی که در داخل کشور داریم توجه کنیم. اما یکی از نکات مهم این است که مردم ما نسبت به این وضعیت آگاهی پیدا کنند، وقتی کشوری مورد هجوم قرار می‌گیرد، راه پیروزی‌اش این است که مردمش، خودشان را در مقابله و دفاع سهیم بدانند، آنچه در جنگ نظامی هشت ساله داشتیم، دفاع مردم‌پایه بود، حضرت امام(ره) مردم را در جنگ سهیم کردند و یک دفاع مردم‌پایه شکل گرفت و کمک‌های مردمی بر پایه بسیج سهم بالایی در جنگ و در تبدیل شدن آن به دفاع مقدس داشت. امروز به نظر می‌رسد هنوز نتوانسته‌ایم مردم را نسبت به جنگ اقتصادی و اینکه چگونه می‌توانند برای برون‌رفت از این جنگ نقش‌آفرینی کنند، آگاه کنیم؛ اما به هر حال در جامعه لایه‌ها و اقشار مختلفی وجود دارد، دولت به طور حتم باید به اقشار آسیب‌پذیر توجه بیشتر داشته باشد، تولید را بیشتر و اقتصاد مقاومتی را پیاده‌سازی کند که امروز ضرورتش بیشتر از گذشته است. دشمن به دنبال این است که مشکلات قشر آسیب‌پذیر جامعه را بیشتر کند. پس یکی از راه‌های کاهش آسیب‌ها این است که نگذاریم کارخانه‌ها و صنایعی که کارگران فعال دارند دچار رکود شوند؛ لذا باید واردات را کنترل کرد و مبارزه با قاچاق و مفاسد اقتصادی را به طور جدی دنبال کرد؛ چرا که کشور ما برای برون‌رفت از این وضعیت ظرفیت‌های بالایی دارد.

۱۵. آیا زمان کنار گذاشتن دلار فرا رسیده است؟

با توجه به جنگ اقتصادی که آمریکا با پشتوانه دلار علیه کشورهای مختلف دنیا به راه انداخته است اکنون زمان کنار گذاشتن دلار در تعاملات مالی خوب است. از آنجا که اعمال محاصره و تعرفه آمریکا علیه روسیه، ایران، ترکیه، چین، کره شمالی، سوریه و ونزوئلا صورت گرفته زمان آن فرارسیده که مقابله به مثل جدی علیه زیاده خواهی‌های آمریکا صورت بگیرد. یکی از روش‌ها استفاده از واحد پولی خارج از دلار و یا پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه در تعاملات مالی است. با ورود جدی سه تا چهار ارز خارجی در تعاملات جهانی سلطه دلار و بهره‌برداری سیاسی آمریکا از بین می‌رود. در صورت سقوط دلار تنها گزینه امن در بلند مدت در برابر سلطه ارزهای خارجی در دنیا، تعامل با طلا یا فلزهای گرانبها است.

۱۶. درباره بسته ارزی اول توضیح بدهید و اشکالات کلی آنرا بیان نمایید؟

بعد از اینکه نوسانات ارزی در سال جدید روند افزایشی پیدا کرد دولت در یک اقدام فوری یک بسته ارزی را در ۲۱ فروردین ماه سال جاری رونمایی کرد و به اجرا درآورد؛ زمانی که بازار ارز در شیب تند نوسان قرار گرفت و نرخ دلار به ۶۰۰۰ تومان افزایش یافت و دولت در نهایت به یکباره تصمیم به اجرایی کردن سیاستی گرفت که از همان ابتدا به شدت مورد انتقاد کارشناسان قرار داشت و آن را اشتباه اعلام کردند. این در حالی بود که در تصمیمی غیر منتظره، معاون اول رئیس جمهور اعلام کرد که دیگر نرخ‌های موجود در بازار آزاد و معاملات آن را به رسمیت نشناخته و این بازار قاچاق محسوب می‌شود. در عین حال که اعلام شد دلار از این پس برای تمامی واردات و نیازها با ۴۲۰۰ تومان تامین خواهد شد. در بسته اول روال تامین ارز به گونه‌ای بود که سامانه نظام یکپارچه ارزی (نیما) راه‌اندازی شد و تمامی واردکنندگان و حدود ۸۰ درصد از صادرکنندگان وارد آن شدند و بر اساس نرخ ۴۲۰۰ تومانی دلار معاملات شکل می‌گرفت. در این بین که صرافی‌ها از معاملات در بازار آزاد منع شده بودند و روی ویتترین‌های خود نوشته بودند معاملات ارزی ندارند، اما معاملات مخفی و غیرشفاف را انجام می‌دادند و با ایجاد تقاضای کاذب به مرور قیمت‌ها در بازار آزاد تا ۱۲۰۰۰ تومان برای هر دلار پیش رفت. تداوم این وضعیت باعث شد سیاست اول ارزی که با التهابات در بازار همراه و موجب انتقادات بسیاری شده بود، چندان ماندگار نشد مضافاً در همین بین رییس کل بانک مرکزی هم تغییر پیدا کرد و رییس جدید با مشورت کارشناسان برای برون رفت از این وضعیت بسته دوم ارزی را رونمایی نماید. ناگفته نماند در بی‌تدبیری که در بسته اول صورت گرفت صف‌های طولانی برای گرفتن ارز ۴۲۰۰ شکل گرفت و به نوعی با این روش بخشی زیادی از خزانه خالی شد و اجناس هم وارد بازار نگشت.

۱۷. در بسته‌های پیشنهادی تقسیم بندی گروه کالاها به چه صورت شکل گرفت؟

با توجه به شرایطی که به خاطر افزایش نرخ ارز صورت گرفت سرانجام بانک مرکزی و وزارت صنعت،

معدن و تجارت (صمت) تصمیم به اولویت‌بندی کالاها گرفته و حتی واردات بیش از هزار قلم کالا را ممنوع کردند. در اولویت‌بندی که انجام شد.

گروه اول به عنوان کالاهای اساسی و حیاتی شامل ارز ۴۲۰۰ تومانی شدند که البته واردکننده ۳۸۰۰ تومان پرداخت می‌کرد و مابه‌التفاوت آن به عنوان یارانه از سوی دولت پرداخت می‌شد.

گروه دوم، کالاهای وارداتی از جمله مواد اولیه کارخانه‌ها و تولید قرار داشت که با نرخ ۴۲۰۰ تومانی و از محل ارز ناشی از صادرات پتروشیمی‌ها و گروه فلزات تامین می‌شد.

گروه سوم و چهارم هم کالاهای غیرضروری بودند که قرار شد به بورس وارد شده و ارز آنها از محل ۲۰ درصد صادرات غیرنفتی که تا آن زمان در سامانه نیما نبودند، تامین شود؛ ولی به هر صورت جریان به نحوی پیش رفت که انتقال این ارز به بورس منتفی و وارد بازار ثانویه در سامانه نیما شد.

۱.۸. بسته دوم ارزی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

دکتر همتی رییس کل بانک مرکزی در اولین گفت و گوی رسمی خود بعد از رفتن به بانک مرکزی، با تدوین بسته جدید ارزی عملاً اقدامات پولی و مالی خود را آغاز کرد که در پیوست این بسته رمز گشایی می‌شود.

الف- ثابت ماندن قیمت کالاهای اساسی و دارو حداقل تا فروردین ۹۸؛ (کالاهای اساسی به کالاهایی گفته می‌شود که برای زندگی مردم ضروری و حیاتی است. بخش زیادی از آنها کشاورزی هستند و بخش دیگر مثل بنزین و دارو که هرگونه کمبود و اختلال یا افزایش قیمت، واکنش‌های مردمی را در پی خواهد داشت در این گروه از کالاها مثل بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان است که دقت، مراقبت، نظارت جدی را می‌طلبد) دستور صریح رئیس جمهور است تا این گروه کالاهای حساس را با ارز ۴۲۰۰ تومانی تامین نماید.

همتی درباره اینکه چه تضمینی وجود دارد که تخلفی در این زمینه وجود نخواهد داشت؟ تصریح کرد: اتمام حجت رئیس جمهور با مسئولین مربوطه است و آنها قول داده‌اند که نظارت داشته باشند تا تخلفی در زمینه تخصیص ارز دولتی به کالاهای اساسی مردم رخ ندهد. گفتنی است بخش زیادی از کالاهای اساسی در داخل کشور به اندازه کافی حتی مازاد تولید شده و به اطلاع مردم باید برسانیم در این بخش هیچ مشکلی ایجاد نخواهد شد و از سوی دیگر گزارش چهار ماهه واردات کالاهای اساسی به کشور از سامانه گمرکات نشان می‌دهد مهم‌ترین اقلام وارداتی مثل ذرت دامی، برنج، لوبیای سویا، جو، کنجاله و سایر قطعات بی‌استخوان منجمد گاو در مدت مذکور رشد چشمگیری داشته است. ذرت دامی ۳ میلیون و ۱۰۴ هزار تن ذرت دامی، برنج ۶۶۳ هزار تن برنج به ارزش ۶۷۵ میلیون دلار، لوبیای سویا ۹۹۹ هزار تن لوبیای سویا به ارزش ۴۹۲ میلیون دلار، جو با میزان ۷۷۲ هزار تن به ارزش ۱۶۶ میلیون دلار و کنجاله ۳۲۳ هزار تن به ارزش ۱۳۷ میلیون دلار از جمله آنهاست که نسبت به سال قبل در همین مدت رشد فزاینده داشته است.

ب- عمق بخشی به بازار ثانویه؛ در این بسته پیشنهادی بازار دوم عمق خیلی زیادی خواهد داشت و مثل دوره قبل نیست که تنها ۲۰ درصد ارز صادراتی ها به این بازار برود آنهم عملی نشد. در بسته جدید عرضه ارز پتروشیمی ها، فولادی ها، فلزات رنگی، گاز، فراورده های نفتی در بازار ثانویه خواهد بود که براساس عرضه و تقاضا رخ خواهد داد. همتی در پاسخ به تضمین این ایده که صادرکننده ها ارز خود را وارد بازار کنند تصریح کرد: دوره اول صادرکننده ها این کار نکردند و اشتباه هم کردند. در این دوره مابه التفاوت را از آنها می گیریم و حتما باید به خزانه برگردانند. تمهیداتی را رئیس جمهوری اتخاذ کرده و صادراتی ها در این بازار حضور جدی خواهند داشت.

ج- فعالیت صرافی ها در بسته جدید ارزی؛ یکی از اقدامات مقطعی در دوره قبلی تعطیلی صرافی ها و قاچاق اعلام کردن خرید و فروش ارز بود که در بسته جدید این محدودیت برداشته شد. تعطیلی صرافی ها برای مسافرین و کسانی که به دنبال تهیه دارو بودند برایشان سخت بود و به نوعی مشکلات جدی به وجود آورده بود. تصمیم رئیس جمهور بر لغو این دستور است. خرید و فروش ارز از صرافی ها از این به بعد آزاد است و دیگر قاچاق محسوب نمی شود. باید فضا سازی به نحوی باشد که صرافی ها واقعا به سیستم بانکی و بانک مرکزی برگردند و به دولت و مردم کمک کنند که بازار را شفاف شود و نیازهای مردم را با نرخ ارز بازار ثانویه و با درصدی از سود تامین کنند. صرافی ها در خرید مشکلی ندارند ولی در فروش باید کمی کنترل شود که برای نیازهای واقعی مردم باشد. چون نیاز مردم را با حداقل ۴۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی خوب می شود مدیریت کرد. از آنجا که خرید و فروش ارز قاچاق شده بود فشار روی سکه خیلی زیاد بود با این بسته و به نوعی آزاد شدن فعالیت صرافی ها و بازار ثانویه قطعا قیمت سکه هم کاهش خواهد یافت چرا که حباب دارد. در کنار عوامل مذکور دو اقدام دیگر ورود ارز به کشور توسط صرافی ها و واردات طلا معاف از تعرفه و ارزش افزوده می تواند در کاهش التهابات بازار نقش به سزایی داشته باشد.

د- سپرده گذاری ارزی؛ یکی دیگر از تصمیمات بسته ارزی ایجاد سپرده ارزی و ضمانت بانک مرکزی از این نوع سپرده است. اگرچه این اتفاق در دوره بی صورت گرفت و مردم در بانک ها سپرده ارزی افتتاح کردند اما بانک ها در سررسید سود ریالی دادند که اثر خیلی بدی داشت و به نوعی بی اعتمادی ایجاد شد و از آن پس این ایده کمتر مورد استقبال مردم مواجه شد اما در بسته جدید بانک مرکزی سپرده ارزی را تضمین می کند تا سود ارزی بدهند. در همین راستا قرار است آئین نامه اش به زودی ابلاغ شود. برخی از کارشناسان معتقدند در فرایند چند ماهه نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار ارز در خانه های مردم نگهداری می شود که با سپرده ارزی و سود ارزی بخش زیادی از منابع سرگردان را به بانک ها برگردانند و یا از خروج ارز به خارج جلوگیری کرد.

ه- قرابت و نزدیکی بین بازارهای مالی؛ یکی دیگر از ایده های رییس کل بانک مرکزی هم افزایش و نزدیکی بین بازارهای مالی فعلی است. دکتر همتی در این مقوله بر این اعتقاد است که بازارهای مالی باید به هم

نزدیک بشوند. بانک مرکزی به عنوان متولی و بورس متولی سرمایه و بیمه مرکزی به عنوان متولی بیمه باید با هم هماهنگ باشند. الان بازار غالب متاسفانه بازار پول است. یعنی بالای ۸۰ درصد. وی تاکید دارد: «باید کمک کنیم بازار پول در خدمت کوتاه مدت باشد و بازار بورس و حتی بیمه بروند به سمت تامین مالی های بلند مدت. الان فرصت خوبی است و من ایده و علاقه دارم درباره اش. فعالان بازار سرمایه مطمئن باشند کنارشان هستیم و کمک میکنیم این دو بازار به هم نزدیک شوند. به بیمه هم تعلق مثل عرصه رسانه دارم. یعنی تعلق نوشتالژیک.»

همچنین در بسته جدید ارزی شرایطی هم برای ورود ارز به صورت اسکناس و طلا به داخل کشور بدون محدودیت و مطابق با ضوابط و مقررات بانک مرکزی تعیین شده که از کلیه حقوق، عوارض قانونی و معاملات بر ارزش افزوده معاف است.

۱۹. در کنار بسته ارزی دولت، چه اقداماتی باید برای بازگشت اعتماد به اقتصاد صورت گیرد؟

در پاسخ باید گفت چند اقدام عاجل برای برون رفت از این وضعیت باید مد نظر قرار گیرد

۱- مهار غول نقدینگی؛ با اینکه بسته از یک جامعیتی برخوردار بود اما کمتر راهکاری برای هدایت و مهار نقدینگی شده بود که به نوعی احساس می شد بانک مرکزی با بی تفاوتی از کنار غول نقدینگی گذشته بود، حال آنکه در تحلیل اقتصادی بخش مهمی از مساله ارزی، نه به تهدید رئیس جمهور آمریکا، تحریم ها بلکه به انبار باروت نقدینگی داخلی بازمی گشت که برای هدایت آن باید چاره یی اندیشیده شود تا جلوی نوسانات بعدی گرفته شود. در همه جای دنیا وجود نقدینگی بالا در اقتصاد کشورها یک مولفه مثبت به حساب می آید که می تواند به سمت تولید روانه شود اما با پیاده کردن سیاست های نادرست، این نقدینگی به سمت بازار سوداگران هدایت می شود و تولید بی نصیب می ماند. پس آن چه بیش از همه مهم است و متاسفانه در تصمیمات به آن بی توجهی می شود، رونق تولید و هدایت نقدینگی سرگردان به سمت تولید است. پیشران مسکن ظرفیت خوبی برای جذب نقدینگی است که رونق را در بسیاری صنایع همزمان می تواند ایجاد نماید. جهت دادن مردم برای سرمایه گذاری در بخش انرژی، آب شیرین کن ها، نیروگاه های کوچک، پروژه های نیمه تمام و دانش بنیان اقدامات بعدی دولت برای هدایت نقدینگی می تواند باشد.

۲- جلوگیری از بازگشت مجدد رکود؛ زمانی که کشور نرخ ارز را بالا برد خودبه خود بر بهای تمام شده تمام محصولات که مواد اولیه آن وارد می شود، تاثیر می گذارد. این موضوع باعث می شود کشور دچار تورم شود؛ تورمی که قدرت خرید مردم را کاهش می دهد. زمانی که قدرت خرید مردم کاهش پیدا کند، بالطبع فروش شرکت ها نیز به دلیل پایین بودن سطح تقاضا کاهش پیدا می کند. وقتی فروش کم شود، رشد اقتصادی کشور هم کاهش پیدا می کند و این نگاه باعث می شود کشور دوباره دچار رکود اقتصادی شود.

۳- شکستن تقاضای کاذب؛ تقاضای کاذب در بازار یکی دیگر از مهمترین عوامل و دلایل اصلی

عدم نابسامانی در بازار ارز است. متأسفانه به واسطه فضای روانی که ایجاد شده و بعضی‌ها به ارزش خارجی رو می‌آورند و این عملاً باعث شده افزایش را در این بخش فارغ از تقاضای واقعی در اقتصاد شاهد باشیم و احساس می‌شود تقاضای کاذب آثار و پیامدهای زیادی برای این وضعیت به وجود آورده است که متولیان امر برای شکست تقاضای کاذب به شیوه‌های مختلف باید برنامه داشته باشند.

۴- برطرف سازی ضعف نظارتی؛ یکی از درخواست‌های مهم مردم در این تلاطم بازار ارز، نظارت جدی و برخورد بدون اغماض با متخلفان علی‌الخصوص کسانی که از امتیازات ارزی استفاده کرده و آن را به نوعی یا در بازار آزاد فروخته و یا کالای مورد نظر را وارد نکرده بودند است. هر چند به صورت شفاهی دکتر همتی بیان کردند که متولیان امر دولتی قول داده اند که نظارت را بیشتر نمایند اما از آنجا که سیستم‌های نظارتی سنتی، کند، پیچیده و دست و پاگیر بوده و از سیستم‌های جدید نظارتی مبتنی بر فناوری اطلاعات که امکان نظارت مستمر و لحظه‌ای را فراهم می‌کند وجود ندارد لذا اکثر آنها دچار قانون‌گریزی می‌شوند از سوی دیگر سیستم خودنظارتی و تعهد شخصی به قانون نیز در بین بسیاری از افراد ضعیف است، در این شرایط فرد با مراجعه به وجدان بیدار خود بدون نیاز به یک ناظر، به قانون عمل می‌کند، اما ضعف در سیستم خودنظارتی و خودکنترلی افراد جامعه ما، سبب شده که شاخص قانون‌گریزی در جامعه ما در همه عرصه‌ها بیشتر باشد که نمونه‌های عینی آنرا در وضعیت اقتصادی کنونی بسیار دیده ایم. به نظر می‌رسد علاوه بر قول شفاهی برخی از وزراء برای عملیاتی سازی نظارت پیکارچه و مستمر باید از ابزارها و نهاد‌های نظارتی جهت هم‌افزایی بیشتر استفاده شود و گرنه پرداخت ارز بدون نظارت سوء استفاده کنندگان و رانت خوران را یک بار دیگر به چرخه دریافت کنندگان ارز بر می‌گرداند.

۵- ترمیم کابینه؛ در بخش پایانی باید بگویم در این شرایط حساس همه باید از دولت برای برون رفت از این وضعیت ناپایدار اقتصادی کمک کنیم و نقش معین را داشته باشیم و به جای طرح موضوع برگزاری انتخابات زودهنگام و یا انتقام‌گیری‌های سیاسی دولت را تشویق کنیم به سمت ترمیم و تغییرات هدفمند در کابینه گام بردارد و ورزشی متناسب با شرایط جنگ اقتصادی انتخاب نماید تا بخشی از بی‌اعتمادی ایجاد شده به نظام اقتصادی بر گردد همانگونه که تغییر رییس بانک مرکزی بارقه امید را تا حدی برگرداند.

۶- انضباط مالی؛ یکی دیگر از مشکلات بنیادی اقتصاد کشور وضعیت نامتعادل بانک و موسسات پولی مالی است که باید یک چاره جدی برای آن اندیشیده شود. همتی عمده مشکلات اقتصادی کشور را به دلیل نقدینگی می‌داند و تأکید دارد: «اگر قرار باشد بانک‌ها اضافه برداشت داشته باشند، و هر کاری دوست داشته باشند بکنند، حتماً با آنها برخورد می‌شود؛ قطعاً با خلق پول، اضافه برداشت و غیره برخورد خواهیم کرد. رییس شورای پول و اعتبار ادامه داد که بعد از ساماندهی به بازار ارز، بنگاهداری بانک‌ها و مطالبات معوق و بدهی دولت به بانک‌ها رسیدگی خواهد شد.» ناگفته نماند اصلاح ساختار بانکی کشور به سادگی هم امکان‌پذیر نیست، شبکه بانکی کشور درگیر مشکلات بسیاری از قبیل حجم بالای نقدینگی و دارایی‌های

منجمد بانک‌ها، اضافه برداشت‌های مکرر از بانک مرکزی، زیان ده بودن بانک‌ها، افزایش بدهی دولت به بانک‌ها و نرخ سود بالا است که برای هر کدام راه‌های مختلف و بعضاً متناقض وجود دارد که رییس جدید بانک مرکزی برای این بخش باید راهبردهای خاص خودش را دنبال کند.

۲۰. آیا دشمن توان به صفر رساندن نفتی ایران را در تحریم‌ها جدید دارد؟

در پی خروج یک طرفه ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای گروه ۱+۵ با ایران، ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که مجموعه‌ای از تحریم‌های اقتصادی را علیه ایران وضع خواهد کرد. تحریم خرید نفت این کشور نیز به عنوان یکی از گزینه‌های تحریم از ماه نوامبر سال جاری میلادی آغاز خواهد شد. در طول بیش از دو ماهی که از اتخاذ این تصمیم آمریکا می‌گذرد، این کشور تلاش کرده است تا سایر کشورهای جهان را به توقف خرید نفت ایران و پایان دادن به مبادلات اقتصادی با این کشور ترغیب یا با تهدید به اعمال جریمه‌های مالی متقاعد کند. اما یکباره مایک پامپئو، وزیر خارجه آمریکا گفت آمریکا درخواست برخی از کشورها برای معافیت از تحریم‌های ایران را که از ماه نوامبر اجرایی می‌شود تا مانع از صادرات نفت این کشور شود، بررسی خواهد کرد. بر اساس متن مصاحبه وی با اسکای نیوز در ابوظبی که توسط وزارت خارجه آمریکا منتشر شد، پامپئو گفت: «چند کشور هستند که به آمریکا می‌آیند و درخواست معافیت می‌کنند.» این اتفاق در حالی می‌افتد که واشنگتن پیش از این گفته بود کشورها باید تمامی واردات نفت ایران را از ۴ نوامبر متوقف کنند یا اینکه با اقدامات مالی آمریکا مواجه خواهند شد و هیچ معافیتی وجود ندارد. اکثر تحلیلگران بازار نفت بر این باورند که دور تازه تحریم نفتی آمریکا علیه ایران، فروش نفت این کشور را تا حدود زیادی کاهش خواهد داد. هر موسسه‌ی ارقام متفاوتی را از میزان کاهش نفت ایران گفته‌اند. اما در این بین بدبینانه‌ترین را گروه مشاوران فکتس گلوبال انرژی (FGE) با انتشار تحلیلی اعلام کرده است که صادرات نفت ایران به میزان دو سوم رقم کنونی (دو میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز) کاهش خواهد یافت و به حدود ۷۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسد. در این میان ترکیه قاطعانه اعلام کرده که خرید نفت ایران را متوقف نخواهد کرد. اسپانیا در آخرین موضع‌گیری بیان کرده که از سیاست‌های تحریمی آمریکا تبعیت نخواهد کرد. چین هم بخاطر گستره جنگ تجاری مقاومت‌های خوبی را در برابر آمریکا تاکنون بروز داده است. چین در حال حاضر روزانه ۶۵۰ هزار بشکه از نفت ایران را خریداری می‌کند. علاوه بر خریداران ثابت نفت ایران حسن روحانی می‌گوید چنانچه ایالات متحده آمریکا متحدانش را برای خودداری از خرید نفت ایران تحت فشار بگذارد، آنگاه احتمالاً صادرات نفت منطقه به خطر می‌افتد. آقای روحانی در پاسخ به سوالی از خبرگزاری رویترز گفت: «حرفی که برخی مقامات آمریکایی زدند که ما می‌خواهیم صادرات نفت ایران را به صفر برسانیم، یک گزاره‌گویی است که هیچ‌وقت قادر نیستند آن را عمل کنند.» او گفت: «آمریکایی‌ها ادعا کرده‌اند که می‌خواهند صادرات نفت ایران بطور کامل متوقف شود. آنها معنای این ادعا را درک نمی‌کنند زیرا برای ایران بی‌معنی است که در حالی

که نفت منطقه صادر می‌شود، نفت ایران صادر نشود.»

با اینکه هنوز اطلاعات دقیقی از مکانیزم بازگشت تحریم های نفتی دولت ترامپ علیه ایران وجود ندارد. همچنین پیش بینی های مختلفی نیز از میزان اثرگذاری تحریم های آمریکا بر صادرات نفت خام ایران وجود دارد. با این حال تازه ترین گزارش ها حاکی از آن است که ظاهراً بر دولت آمریکا روشن شده که توان صفر کردن صادرات نفت ایران را نخواهد داشت و نهایتاً قادر خواهد بود چیزی بین ۷۰۰ هزار تا یک میلیون بشکه در روز از تولیدات ایران کاهش دهد. اما همین میزان از کاهش صادرات نیز چنانچه یکباره و طی ۹۰ روز آینده از بازار خارج شود، بازار جهانی نفت را با شوک قیمتی مواجه خواهد کرد؛ اتفاقی که نه برای بازار خوشایند خواهد بود و نه برای دولت آمریکا.

۲۱. پیامدهای جنگ تجاری چین و آمریکا چه خواهد بود؟

اگر جنگ تجاری فعلی را در نظر بگیریم. چین علاوه بر توانایی برای کاهش ارزش پولی ملی اش، می‌تواند علیه تعرفه های اعمال شده آمریکا نیز از روش های مختلف واکنش نشان دهد. چین می‌تواند خرید اوراق قرضه و بدهی آمریکا را متوقف کند، و احساسات عمومی مردم چین نسبت به ایالات متحده را بدتر نماید. این مساله می‌تواند به ضرر حمایت افکار عمومی از کالاهای آمریکایی و همین طور سفر به ایالات متحده شود. این مساله می‌تواند به ضرر بسیاری از شرکت های آمریکایی باشد. ارزش تعرفه های ۳۴ میلیارد دلاری ترامپ علیه کالاهای چینی، و واکنش چین به این تعرفه‌ها، می‌توان گفت که تبعات و تاثیرات جنگ تجاری آمریکا و چین به مراتب گسترده‌تر خواهد شد. دولت ترامپ همچنین تهدید کرده است که تعرفه های بیشتری را اعمال خواهد کرد. ترامپ قصد دارد تعرفه ۱۰ درصدی بیشتری را علیه ۲۰۰ میلیارد دلار از واردات چین اعمال کند. پکن هشدار داده است که با تدابیر کمی و کیفی مناسب، پاسخ آمریکا را خواهد داد. دو اقتصاددان آکسفورد یعنی گریگوری داکو و لوییس کوچیس بر این باورند که تشدید این جنگ تجاری می‌تواند در نهایت بر ۵۰۰ میلیارد دلار مبادلات تجاری دو کشور آسیب بزند. در حالی که چین توانایی های متعددی برای ضربه زدن به آمریکا دارد، ولی پکن از نظر اقتصادی در معرض خطر بیشتری نسبت به آمریکا از لحاظ تبعات جنگ تجاری تمام عیار قرار دارد. حدود ۲۰ درصد صادرات چین به بازار آمریکا است و چین سال گذشته ۵۰۶ میلیارد دلار کالا به آمریکا فروخته است. آمریکا تنها ۱۳۰ میلیارد دلار صادرات به چین داشته است. البته ترامپ نیز باید نسبت به تشدید جنگ تجاری با چین کاملاً محتاط باشد، این جنگ تجاری می‌تواند تبعات منفی زیادی برای اقتصاد و جامعه ایالات متحده داشته باشد. به عنوان مثال چین اکنون ۹ برابر بیشتر از اروپا در آمریکای شمالی سرمایه گذاری کرده است. این مساله موجب نگرانی بزرگی است. علاوه بر این تشدید جنگ تجاری موجب از دست رفتن فرصت های شغلی در بخش های صادراتی خواهد شد، به خصوص کشاورزی و کارخانه های خودروسازی. موسسه تحقیقاتی بروکینگز بر این باور است که راهبرد تلافی جویانه ترامپ در قبال چین

می‌تواند بیش از ۲.۱ میلیون فرصت شغلی در ۲۷۸۳ منطقه آمریکا را در معرض خطر قرار دهد.

۲۲. کالاهایی اساسی که ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی می‌گیرند چه نوع کالایی است؟

پس از ابلاغ بسته جدید ارزی از سوی رئیس کل بانک مرکزی، ۲۵ قلم کالا تحت عنوان کالاهای اساسی مشمول ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی ابلاغ شد و رئیس جمهور نیز پیش از انتشار این فهرست در گفت و گوی زنده تلویزیونی تاکید کرده بود که قیمت این کالاها در بازار نباید افزایش یابد و دستگاه‌های نظارتی باید بر عرضه آن‌ها نظارت دقیقی داشته باشند. کالاهایی همچون برنج خارجی، گندم، گوشت قرمز منجمد (دام سنگین)، گوشت قرمز گرم (دام سبک) گوشت مرغ، تخم مرغ، کنجاله سویا، ذرت، جو، داروهای دامی، ضروری، انواع کود شیمیایی، سموم تکنیکال شیمیایی، انواع بذر، شکر خام، روغن خوراکی نیمه جامد و مایع، روغن خام، حبوبات، انواع دانه‌های روغنی (سویا)، لاستیک سنگین، کاغذ چاپ و تحریر، کاغذ روزنامه، خمیر کاغذ، چای خشک خارجی، دارو و تجهیزات و ملزومات ضروری پزشکی و نهایتاً ماشین آلات و تجهیزات تولیدکننده کالاهای اساسی مثل کمباین و نشاءکار برنج در ردیف کالاهای اساسی مشمول ارز ۴۲۰۰ تومانی قرار گرفتند که بازار آن‌ها باید کنترل شود.

۲۳. مهمترین برنامه‌های رئیس کل جدید بانک مرکزی را به صورت فهرست‌وار بیان کنید؟

طبیعی است که رئیس کل جدید بانک مرکزی برنامه‌های جدیدی برای حل مشکلات کشور تدوین کرده است و ملت منتظرند تا با اجرایی شدن آنها آثار مثبت تغییر را در عرصه کنترل بازار اقتصادی مشاهده نمایند. مهمترین برنامه‌های وی را تیتروار بدین شرح می‌توان فهرست نمود:

- تمرکز بر اعاده و تقویت اعتبار بانک مرکزی
- ثبات در مقررات بانکی
- حذف رانت ارزی و اعتباری بانک
- پشتیبانی از تولید داخلی
- حمایت از صادرات پایدار
- حمایت از بازار سرمایه برای جذب نقدینگی
- افزایش بهره‌وری منابع مالی
- حفظ قدرت ارزی کشور مساوی با صیانت و تقویت منابع و ذخایر بانک مرکزی
- کنترل تورم
- اصلاح ناترازی‌های موجود در شبکه بانکی
- استقرار نظم و انضباط در بانک‌ها و به مهار کشیدن حجم نقدینگی بالا

- هدایت مناسب آن با ابزارهای سیاست پولی و اعتباری
 - اتخاذ رویکردی فعال در مبارزه با تحریم‌ها
 - افزایش تاب‌آوری اقتصاد در برابر تلاش دشمنان برای ایجاد انزوای
 - رویکرد فعالانه و نظارت قوی بر بانک‌ها
 - بهره‌گیری از ابزار عملیات بازار باز اسلامی
 - جلوگیری از خلق بی‌قاعده و نوسانات نامطلوب در پایه پولی
 - شفافیت، قانون‌مداری و مبارزه با فساد و رانت خواری
- البته رییس جدید بانک مرکزی قول داده است اقدامات مذکور با راهکارهای لازم و بدون حاشیه‌سازی و ایجاد اضطراب بانکی صورت می‌گیرد.

۲۴. میزان کسری بودجه آمریکا از زمان روی کار آمدن ترامپ چقدر است؟

داده‌ها و گزارشات جدیدی که توسط فدرال رزرو منتشر شده نشان می‌دهد آمریکا به سوی ثبت بزرگترین کسری بودجه سالانه خود پیش می‌رود و علت آن هم قانون مالیاتی ترامپ و هزینه کردهای بالای او در بخش نظامی، عنوان شده است. پیش بینی کاخ سفید این است برای اولین بار از ۲۰۱۳ تا کنون، کسری بودجه سالانه دولت از ۱ تریلیون دلار فراتر رود. تنها در ماه جولای ۷۶.۹ میلیارد دلار کسری بودجه گزارش شد که علت اولیه آن افزایش هزینه کردهای نظامی و دولتی و کاهش مالیات شرکت‌ها و ثروتمندان است. خزانه داری آمریکا به رهبری استیون منوچین، شاهد آن بوده اند که در ۱۰ ماه اول سال مالی ۲۰۱۸ کسری بودجه آمریکا از ۶۸۴ میلیارد دلار فراتر رفته است که ۲۰.۸ درصد نسبت به زمان مشابه سال قبل، جهش داشته است. سی‌ان‌بی‌سی ادعا می‌کند که بیشتر این کسری بودجه مدیون تغییر قانون مالیات در دسامبر ۲۰۱۷ است. طبق اعلام فدرال رزرو درآمد دولت آمریکا تا این جای ۲۰۱۸ تنها ۱ درصد افزایش یافته است، اما در مقابل کل هزینه کردهای دولتی به ویژه در بخش نظامی، ۴.۴ درصد جهش کرده است و حالا دولت با مشکل تامین مالی وام‌هایی روبرو شده است که هر روز در حال افزایش هستند. در نهایت باید گفت تحلیل گران بودجه‌کنگره آمریکا هم تخمین زده اند که کسری بودجه ۲۰۱۸ حدود ۱۹ درصد نسبت به سال ۲۰۱۷ افزایش یابد و تا سال ۲۰۲۰ هم کسری بودجه بیش از یک تریلیون دلار شود.

۲۵. در تقابل با سیاست‌های اقتصادی آمریکا روش‌های متعددی وجود دارد یکی از روش‌ها فروش اوراق بدهی آمریکا است آیا در این رابطه اقدامی صورت گرفته است؟

در پاسخ به این سوال باید گفت کشورهایی که تاکنون بزرگترین خریداران اوراق قرضه آمریکا بودند در پاسخ به تحریم‌ها و اقدامات سلطه‌گرانه آمریکا اکنون به فروشندگان این اوراق تبدیل شده‌اند. آخرین

آمارها از وزارت خزانهداری آمریکا نشان می‌دهد که تنها روسیه و ترکیه نیستند که اوراق قرضه آمریکا را در کشورشان کاهش می‌دهند. بلکه کشورهایی نظیر ژاپن نیز این طرح و نقشه را دنبال می‌کنند. ژاپن که دومین کشور بزرگ دارنده اوراق بدهی آمریکاست، ارزش این اوراق را در کشورش ۷ درصد کاهش داد. ژاپن طی ۱۲ ماه گذشته منتهی به ژوئن ارزش اوراق قرضه آمریکا را در این کشور کاهش داده و به ۸۲.۹ میلیارد دلار رساند. تنها در ماه ژوئن این کشور ۱۸.۴ میلیارد دلار اوراق قرضه بلندمدت آمریکا را به فروش رساند. چین بزرگترین صاحب اوراق قرضه آمریکا با ۱.۱۷۸ تریلیون دلار تنها در ماه ژوئن ۴.۴ میلیارد دلار اوراق قرضه آمریکا را به فروش رساند. از اکتبر ۲۰۱۱ تاکنون سهم چین از اوراق قرضه طولانی مدت آمریکا تا ۱۳۸ میلیارد دلار کاهش یافته است. همچنین روسیه هم ۸۴ درصد از میزان اوراق قرضه آمریکا را در این کشور کاهش داده و این رقم در ماه ژوئن به ۹ میلیارد دلار رسیده است.

فصل چهارم: مسایل فرهنگی

۲۶. چه تهدیداتی از سوی تلگرام احساس می‌شد و چرا تصمیم به فیلتر کردن تلگرام گرفته شد؟

تلگرام یک شبکه اجتماعی خارجی با قابلیت فراوان و ظرفیت بالا در داخل ایران است. این پیام‌رسان، برخلاف ظاهرش که بهترین شکل کمک به کاربران برای برقراری ارتباط با یکدیگر را تداعی می‌کند، در ذاتش انواع تهدیدات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دارد. زیرساخت‌ها و مدیریت تلگرام در خارج از کشور بوده و در پشت صحنه آن هم، سرویس‌های جاسوسی دشمن قرار دارند. حوادث دی ماه ۹۶ و برخی فراهخوان‌ها در اقصی نقاط کشور با حمایت همه جانبه برخی کانال‌های ضدانقلاب در تلگرام دنبال شده و می‌شود که نقش آتش بیار معرکه را بر عهده دارند.

نکته قابل توجه این است که آمریکایی‌ها جنگ تمام عیار اقتصادی را علیه ملت ایران آغاز کرده و به زعم خود تلاش می‌کنند با فلج کردن اقتصاد ملی و تحت فشار قرار دادن فضای کسب و کار و معیشت مردم، مقاومت ایرانیان در برابر نظام سلطه را در هم شکسته، سلطه خود بر ایران زمین را بازیابند. آنان برای دستیابی به این هدف راهبردی، از همه ابزارها، شیوه‌ها و روش‌های ممکن بهره می‌گیرند. به اعتقاد کارشناسان و بر اساس اطلاعات و اسناد مستحکم موجود، تلگرام یکی از ابزارهای مهم و در اختیار نظام سلطه، برای ضربه زدن به اقتصاد ایران است.

۲۷. چرا باید از پیام‌رسان‌های داخلی حمایت کرد؟

پیام‌رسان‌ها امروزه نقش مهمی در ارتباطات فردی و اجتماعی و حتی ارتباطات مالی و اقتصادی افراد جامعه ایفا می‌کنند. لذا به یک نیاز ضروری بشر تبدیل شده‌اند. با توجه به اینکه افراد جامعه برای انجام امور

روزمره خود به این شبکه‌ها نیاز دارند، باید شبکه‌های بومی متناسب با نیاز کاربران فعال باشند. برای تحقق این امر مهم، مسئولان باید با درک شرایط و نقشه‌های دشمن برای زمین‌گیر کردن ملت ایران، با تمام توان تقویت پیام‌رسان‌های داخلی را در اولویت قرار دهند، مردم هم با اطمینان خاطر از جهات مختلف، به استقبال پیام‌رسان‌های داخلی بروند. البته ممکن است در ابتدای مسیر همانند هر کار دیگری، به دلیل محدود بودن ظرفیت‌ها، برخی از ارتباطات با کندی انجام گیرد، لکن تردیدی وجود ندارد که در پرتو اندکی صبر و حوصله، آینده‌ای درخشان رقم خواهد خورد.

۲۸. مزیت پیام‌رسان‌های داخلی در برابر شبکه‌های اجتماعی خارجی چیست؟

پیام‌رسان‌های داخلی بخاطر اینکه در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند و پشتیبان‌ها و سرورهای آنها در داخل کشور قرار دارد، در حفظ و صیانت از هویت ملی و دینی، قابلیت پیشگیری از جرایم و مدیریت و اعمال قوانین و مقررات کشور، اعتمادسازی و صیانت از حقوق شهروندی، حریم خصوصی، امنیت ملی و عمومی، ذخیره‌سازی و پردازش داده‌های عظیم مرتبط با فعالیت پیام‌رسان‌های اجتماعی در داخل کشور و ممانعت از دسترسی غیرمجاز به آنها، توسعه و تسهیل تولید محتوای داخلی و ارتباطات سالم اجتماعی و اقتصادی براساس نیازمندی‌های داخلی و ارزش‌های اسلامی - ایرانی می‌تواند جلوی آسیب‌های فراوان شبکه‌های خارجی را که هیچ تعهدی به ایران ندارند بگیرد. در پیام‌رسان‌های داخلی امکان سوء استفاده‌های مختلف کاهش می‌یابد چون امکان در صورت شکایت امکان رد گیری کاربران وجود دارد.

۲۹. چرا دولت باید از پیام‌رسان‌های داخلی حمایت کند؟

بدون شک تقویت پیام‌رسان‌های داخلی بدون کمک و حمایت دولت امکانپذیر نیست. دولت بیش از دیگران وظیفه دارد از این پیام‌رسان‌ها حمایت کند، این‌گونه که از یک سو زیرساخت مورد نیاز برای فعالیت آسان این اپلیکیشن‌ها را فراهم کند و از سوی دیگر تلاش کند برای استفاده مردم از آنها اعتمادسازی کند. در حال حاضر، باید اقدام جدی و تأثیرگذاری از سوی دولت و مسئولان ذی‌ربط انجام پذیرد تا پیام‌رسان‌های داخلی بتوانند جای خود را در فضای حال حاضر جامعه پیدا کنند. از سوی دیگر، صاحبان این پیام‌رسان‌ها وظیفه دارند همه تلاش خود را برای برآورده کردن نیازهای کاربران خود به کاربندند تا کسانی که تا دیروز از پیام‌رسان‌های خارجی استفاده می‌کردند نیازهای خود را در این شبکه برآورده ببینند.

۳۰. آیا صدا و سیما صدای واقعی مردم را منعکس می‌کند؟

صدا و سیما از یک سو زبان رسمی حاکمیت و از سوی پژواک صدای واقعی مردم است. ارتباط رسانه ملی با مخاطبان‌اش از پیچیده‌ترین ارتباطات است و حفظ و اقماع مخاطب به دلیل گستردگی فضای مجازی و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که دلیل آن رقابت سنگین، نابرابر و

پیچیده‌ای است که دشمنان برای رسانه ملی ایجاد کرده‌اند. نظام سلطه می‌کوشد از رسانه ملی و رسانه‌های رسمی کشور برای تسلط بر افکار عمومی پیش بيفتند و برای این منظور به سرعت رسانه‌های مختلفی را بویژه در فضای مجازی راه اندازی کرده که هدف آن‌ها تغییر محاسبات و ذهنیت مردم، فشار بر نظام جمهوری اسلامی است. اگر پیش از این دشمن از راهبردهای نظامی برای از بین بردن نظام جمهوری اسلامی استفاده می‌کرد امروز از تهدیدهای نظامی به عنوان راهبردی در ایجاد هراس در افکار عمومی با استفاده از رسانه‌ها بهره می‌برد و تلاش می‌کند تا با ایجاد دو قطبی در سطح جامعه فضای ناآرامی‌ها در کشور را گسترش دهد.

واقعیت این است که رسانه ملی به دور از هیاهو و فرافکنی، به شکل‌های مختلف به بیان مشکلات و مسائل اساسی مردم می‌پردازد اما هجمه‌های رسانه‌ای دشمنان در صدد زیر سؤال بردن این اقدامات و بی‌اثر کردن آنهاست.

۳۱. موضوع سند ۲۰۳۰ به کجا رسید؟

اجرای سند ۲۰۳۰ در آموزش و پرورش یکی از صریح‌ترین تذکرات جدی مقام معظم رهبری به دولت یازدهم بوده است. ایشان می‌فرمایند: مسئله استقلال خیلی مهم است؛ مسئله‌ی سند ۲۰۳۰ از این قبیل است. حالا بعضی می‌آیند می‌گویند ما تحفظ دادیم یا گفتیم فلان چیزش را قبول نداریم؛ نه، بحث سر این‌ها نیست؛ فرض کنیم در این سند هیچ چیز واضح بینی هم که مخالف اسلام باشد وجود نداشته باشد؛ که حالا وجود دارد؛ من حرفم این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته شود. ایشان تاکید کردند: آن‌ها که خیال می‌کنند ما گزارش درست نگرفتیم؛ نه، گزارش‌های ما گزارش‌های درستی است. شما می‌گویید این سند مثلاً خلاف اسلام ندارد، داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است. نظام آموزشی ما را چهار نفر بنشینند در یونسکو بنویسند! چرا؟ این همان مسئله‌ی استقلال است. (۹۶/۳/۳۱)

پس از بیانات امام خامنه‌ای شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور حسن روحانی رئیس‌جمهور جلسه‌ای را به منظور بررسی سند ۲۰۳۰ تشکیل داد؛ در این جلسه اکثریت اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کردند که سند تحول آموزش و پرورش در تمام مسائل آموزشی مورد توجه باشد و به طور کلی مسائل آموزشی کشور براساس اسناد بالادستی ایران انجام شود. بر این اساس سند ۲۰۳۰ محلی از اعتنا ندارد.

در همین حال وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای اجرای سند ۲۰۳۰ در مدارس را ممنوع کرد اما آنچه که در عمل می‌بینیم این نکته است که مواضع اعلامی دولت نفی صریح اجرای ۲۰۳۰ اما در مواضع اعمالی شاهد اجرای این سند در مدارس هستیم. گزارش‌های رسیده به شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیسیون آموزش مجلس اعلام شده است که برخی سخنرانان به مدارسی دعوت شده‌اند و مواردی را مطرح کرده‌اند که دقیقاً در سند ۲۰۳۰ ذکر شده است.

اخیراً نیز سندی از سازمان تحت مدیریت معاون رئیس‌جمهور منتشر شده که حکایت از اجرای سند

۲۰۳۰ یا همان سند توسعه پایدار توسط وزارتخانه‌های مختلف دولت دارد! در اردیبهشت ماه جاری، سرپرست مرکز امور بین‌الملل و کنوانسیون‌های سازمان محیط زیست به‌عنوان سازمان تحت مدیریت معاون رئیس‌جمهور در قالب نامه‌ای رسمی خطاب به سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی، وزارت نیرو و وزارت راه و شهرسازی خواستار ارائه گزارش اجرای سند ۲۰۳۰ یا همان سند توسعه پایدار جهت ارائه این گزارش‌ها توسط نمایندگی ایران در نیویورک شده است.

یک سال پس از طرح موضوع توسط رهبر معظم انقلاب و اصرار بر اجرای آن توسط دولت مورد انتقاد رهبر معظم انقلاب قرار می‌گیرد و ایشان در ۱۹ اردیبهشت ۹۷ می‌فرمایند: آخرین بخش از عرایض من، مسئله‌ی سند انحرافی ۲۰۳۰ است. سال گذشته بنده رسماً علناً قاطعاً منع کردم از اینکه این کار انجام بگیرد؛ مسئولین آموزش و پرورش استقبال کردند، دنبال کردند؛ منتها بنده شنیده‌ام در بخشهای مختلفی، اجزای سند ۲۰۳۰ دارد تحقیق پیدا میکند؛ این معنایش این است که اختیار مهم‌ترین مسئله‌ی کشور در دست دیگران باشد.

فصل پنجم: مسایل سیاسی

۳۲. تغییر کابینه تا چه حد در بهبود وضعیت اقتصادی کشور مؤثر است؟

کابینه آقای روحانی متناسب با نگاهی که به برجام داشتند تدوین شده است، به این صورت که روحانی معتقد بوده که از طریق برجام و ورود سرمایه خارجی از طریق اروپا، مشکل اقتصادی کشور حل می‌شود، ولی این اتفاق نیفتاد و ما به هر حال درگیر جنگ اقتصادی شدیم و تیم اقتصادی این کابینه متناسب با جنگ اقتصادی نیست؛ فلذا، به یقین کابینه باید ترمیم و اصلاح بشود، اما با جابه‌جایی صرف افراد در کابینه مشکلات اقتصادی کشور حل نمی‌شود، باید رویکردها و سیاست‌های دولت تغییر کند. به این صورت که افرادی در این جایگاه اقتصادی در تیم دولت قرار بگیرند که معتقد به پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی باشند و ظرفیت‌های داخلی را به سمت آن ببرند و در نگاه به بیرون خیلی به غرب امید نداشته باشند. با تقویت قدرت درونی و اتکا به توانمندی‌های داخلی و تعاملات بیشتر با شرق می‌توان نیازها را برطرف کرد. در یک جمله می‌توان گفت؛ باید رویکردها و جهت‌گیری‌ها بر مبنای اقتصاد مقاومتی تغییر کند تا مشکلات کشور حل شود.

۳۳. شایعه استعفای رییس جمهور با چه اهدافی مطرح گردید؟

این شایعه پس از خروج ترامپ از برجام و ناکامی سیاست آقای روحانی در حل مشکلات اقتصادی از طریق حل مناقشات هسته‌ای، در افکار عمومی از پذیرش بیشتری برخوردار گردیده و بستر برای دروغ‌پراکنی‌هایی از این قبیل فراهم شده است. برخی جریان‌های سیاسی نیز چندان از گسترش این شایعه ناخرسند نیستند و اغراض و اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کنند!

در کنار تمایلاتی که اصلاح‌طلبان برای واگرایی و عبور از روحانی در طول این سال‌ها داشته‌اند، در

نگاهی دقیقتر دامن زدن به شایعه استعفای زود هنگام رییس جمهور و متهم کردن نظام یا جریان رقیب به داشتن سناریویی برای به انسداد کشاندن دولت دوازدهم، توسط تئورسین اصلاح طلبان را باید طرحریزی سناریویی برای جهت دهی به رخداد های آینده و مهار و مدیریت افکار عمومی دانست که اتفاقا جزو حوزه های تخصصی حجاریان به حساب می آید. جالب آن است که بدانیم سعید حجاریان در شهریور ماه ۱۳۹۴ در بخشی از گفت و گوی خود با نشریه اندیشه پویا اظهار کرده بود: «آقای روحانی اگر شکست بخورد بحران در بحران ایجاد خواهد شد. فرض کنید که توافق برجام در یک جایی به لحاظ اجرا شکست بخورد و همه چیز هوا شود. روحانی هم استعفا می دهد و می رود، و یک نفر مثل معجزه ی هزاره ی سوم سر کار می آید. روحانی شکست می خورد.»

۱. طرح این ادعا بهانه ای برای تخریب رقیب است. این اقدام را می توان در قالب سناریوی مظلوم نمایی دولت تحلیل نمود. اصلاح طلبان تلاش دارند تا بدین وسیله چهره های معصوم و مظلوم از دولت ارائه دهد که دست بسته و از انجام وظایف محوله به اجبار باز داشته شده است. به واقع دولت را تحت فشار سنگین رقیب معرفی کنند که بخشی از مشکلات کشور و ناکامی دولت نیز حاصل این فشارها می باشد. لذا برای آنکه دولت توانمند و کارآمد گردد باید افکار عمومی به کمک آمده و جریان رقیب را تحت فشار قرار داده و به حمایت از دولت منتخب مردم پردازد.

۲. این اقدام می تواند افکار عمومی را از توجه به مطالبات واقعی خود باز دارد و در زمانی که دولت توان پاسخگویی افقاعی به سوالات افکار عمومی را ندارد و اوضاع نابسامان اقتصادی و ناکامی برجام اعتراضات عمومی را به همراه داشته است، کمککار دولت گردد و کمی از فشارهای وارده بر آن بکاهد!

۳. این اقدام حتی می تواند صدای مطالبه گری درون اردوگاهی را که مدت ها است نسبت به عملکرد دولت اعتدال آغاز شده و بازتاب آن از بیرون نیز شنیده می شود، به بهانه بزرگنمایی خطر رقیب، برای مدتی مسکوت بگذارد! اعتراضاتی که از اقشار مختلف هواداران روحانی شنیده می شود و آخرین آن در عدم حضور بخشی از هنرمندان در مراسم افطاری رییس جمهور خودنمایی کرد! و البته اصلاح طلبان تمایلی به

۴. آخرین نکته قابل تامل آنکه این سناریو می تواند این دستاورد را برای طراحان به همراه داشته باشد که هرگاه دولت اعتدال به دلیل ناتوانی از مدیریت کشور به آخر رسیده و با فرافکنی در مسیر انصراف و استعفا قرار گیرد، بهانه لازم برای مقصر جلوه دادن رقیب فراهم باشد و هزینه سنگین این اقدام به سبب رقبا گذاشته شود، و عوارض منفی حاصل از این کناره گیری گریبانگیر اصلاح طلبان به عنوان حامیان دولت اعتدال نگردد و مرگ سیاسی مجدد اصلاح طلبان مرتفع شده و به از دست رفتن انتخابات مجلس نینجامد!

۳۴. مخالفان سوال از رییس جمهور چه می گویند؟

مروری بر سخنان سیاسیونی که این روزها در باب سوال از رییس جمهور اظهار نظر کرده اند، حاوی نکات قابل ملاحظه ای است. دلایل مخالفان سوال از رییس جمهور را در بندهای زیر می توان محور بندی کرد:

۱. سوال غیرقانونی: برخی از مخالفین روند طرح سوال را غیرقانونی می‌دانند. در صدر این افراد معاون پارلمانی رئیس‌جمهور قرار دارد که معتقد است: «سوال و تحقیق و تفحص حق مجلس است اما باید از آن قانونی استفاده کرد، آنچه امروز اتفاق افتاده کاملاً خلاف اصول مسلم حقوقی و قانون اساسی است.»

«حسینعلی امیری» معاون پارلمانی رئیس‌جمهور می‌گوید: «سوال از رئیس‌جمهور ابتدا در سال گذشته مطرح شد و نمایندگان رئیس‌جمهور به کمیسیون مربوطه رفتند و پاسخ دادند... به دنبال از حد نصاب افتادن سوال از رئیس‌جمهور متأسفانه سوال کنندگان محترم رفتند و تعدادی سوال دیگر جمع کردند و با تعدادی از نمایندگان با عده‌ای دیگر که قانع شده بودند صحبت کردند تا از انصرافشان، انصراف دهند.» معاون پارلمانی رئیس‌جمهور با بیان اینکه در هیچ جای آیین‌نامه داخلی مجلس انصراف از انصراف پیش‌بینی نشده است، اظهار داشت: «متأسفانه این کار کاملاً خلاف قانون اتفاق افتاده و از کلیه ظرفیت‌های قانونی مان استفاده می‌کنیم.»

۲. سوال غیرضروری و بی‌نتیجه: غیرضروری و بی‌نتیجه بودن سوال از رئیس‌جمهور یکی دیگر از دلایل مخالفت بخشی از فعالین سیاسی با این اقدام مجلس است. محمدرضا عارف تأکید دارد: «در شرایط فعلی ضرورتی برای طرح سوال از رئیس‌جمهور وجود ندارد» بهرام پارسایی نماینده مردم شیراز نیز معتقد است: «در حال حاضر سوال از رئیس‌جمهور نتیجه خاصی نخواهد داشت و تا زمانی که برنامه‌ای منظم و مشخص برای اقدامات خود نداشته باشیم، این اقدامات فایده‌ای ندارد.»

۳. سوال بی‌موقع: برخی از مخالفین معتقدند که سوال در این مقطع کنونی که نوعی بی‌ثباتی و تلاطم در عرصه اقتصادی را شاهد هستیم، سوال از رئیس‌جمهور نه تنها کمکی در حل مشکلات نخواهد کرد، که موجب تضعیف دولت شده و از سویی دیگر بر مناقشات سیاسی خواهد افزود که این امر نشان از بی‌موقع بودن طرح سوال دارد. قاسم میرزایی‌نکو، نماینده تهران و عضو فراکسیون امید تأکید دارد: «با توجه به شرایط ویژه کشور و اتفاق نظر همه در مورد عادی نبودن این وضعیت، طرح سوال جایگاهی نداشت.»

۴. اغراض سیاسی - جناحی پرسش‌گران: بخشی از منتقدان معتقدند آنچه سوال کنندگان از رئیس‌جمهور را به میدان مواجهه با رئیس‌جمهور کشانده، نه دغدغه حل مشکلات مردم، بلکه اغراض جناحی است که بندهای قانونی را به ابزاری برای تسویه حساب سیاسی بدل ساخته است! در همین راستا معاون پارلمانی رئیس‌جمهور اعلام کرده: «بنده حاضر در تلویزیون مناظره کنم که طرح سوال‌های متعدد از رئیس‌جمهور جز هدف سیاسی چیز دیگری ندارد و به دنبال حل مشکلات مردم نیست.»

۳.۵. موافقان سوال از رئیس‌جمهور چه می‌گویند؟

موافقین سوال از رئیس‌جمهور نیز استدلال‌های خودشان را دارند و از ضرورت طرح سوال در این مقطع کنونی سخن می‌گویند که هم در خدمت منافع کشور و ملت بوده و هم اقدامی در راستای انجام وظیفه نمایندگی می‌باشد. همچنین موافقین تلاش کرده‌اند تا به ابهامات و تردیدهای حاصله پاسخ گویند.

۱. سوالات غیرسیاسی: «محمدجواد کریمی قدوسی» یکی از موافقین سوال از رئیس‌جمهور تأکید دارد: «موضوع سوال از رئیس‌جمهور ابداً سیاسی و حتی در خصوص برجام هم نیست. سوال از رئیس‌جمهور پنج محور دارد که همه آنها اقتصادی است در طرح سوال از رئیس‌جمهور محورهای اقتصادی، موسسات پولی - بانکی، قاچاق کالا،

بازار اقتصادی، اشتغال، رکود و در مجموع شرایط نابسامان اقتصادی مطرح می‌شود.»

«عبدالرضا مصری» از نمایندگان مجلس در پاسخ به برخی اظهارنظرها که طرح این سوال را سیاسی تلقی کرده و آن را فاقد اعتبار حقوقی عنوان می‌کنند، اظهار داشت: «این سوالات که مربوط به سه چهار ماه اخیر است، سوالاتی است که مردم در جلسات مختلف از ما می‌پرسند و چون پاسخی از طرف دولت نداریم و عمده این سوالات هم به تصمیمات دولت باز می‌گردد، لذا مجبور شدیم از رئیس‌جمهور بخواهیم که پاسخ دهد.»

وی با تأکید بر اینکه هیچ‌کدام از این سوالات پنج‌گانه سیاسی نیست، تصریح کرد: «متأسفانه در کشور ما رسم شده که اگر حرف حقی هم زده می‌شود فوراً برچسب سیاسی به آن بزنند. در حالی که این سوالات یک فرصت برای رئیس‌جمهور است تا در مجلس حضور یابد و بسیاری از قضایا را برای مردم روشن کند.»

۲. سوال از رئیس‌جمهور به هنگام است: در مورد شبهه بی‌موقع بودن سوال از رئیس‌جمهور نیز پاسخ‌هایی ارائه شده است. علی‌مطهری از حامیان دولت اعتدال درباره ارتباط زمان سوال از رئیس‌جمهوری و شرایط کشور می‌گوید: «در کشور هیچ وقت زمانی پیدا نمی‌شود که مشکل وجود نداشته باشد و ما آرامش کامل داشته باشیم. بنابراین نمی‌توان به زمان طرح سوال ایراد گرفت. در سؤال از رئیس‌جمهور در مجلس هشتم که خود من پرچمدار آن بودم و به سختی انجام شد همین ایرادها را مطرح می‌کردند در حالی که وارد نبود.»

۳. اقدامی مطابق با قانون: درباره مغایرت سوال از رئیس‌جمهوری با قانون اساسی علی‌مطهری معتقد است: «این سؤال مغایرتی با قانون اساسی ندارد. بر اساس اصل ۸۸ قانون اساسی حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس می‌توانند از رئیس‌جمهوری درباره یکی از وظایف او سوال کنند و رئیس‌جمهوری موظف است در مجلس حاضر شده و به سوال پاسخ دهد. سوالات مطرح شده توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حیطه وظایف رئیس‌جمهوری است و منافاتی با قانون اساسی ندارد. قبلاً سؤال از رئیس‌جمهوری رأی‌گیری نداشت اما بعد از سؤال از رئیس‌جمهوری در مجلس هشتم، ما دیدیم این که رئیس‌جمهور بیاید و حرفهایی بزند و برود و احیاناً مانند آقای احمدی‌نژاد مجلس را به تمسخر بگیرد، موجب کم‌اثر بودن سؤال است. لذا من طرحی ارائه کردم و در آن رأی‌گیری و قانع شدن یا نشدن نمایندگان از پاسخ‌های رئیس‌جمهوری را اضافه کردم و به تصویب مجلس رسید. بنابراین امروز سؤال از رئیس‌جمهوری مؤثرتر است.»

۴. فرصتی برای رئیس‌جمهور: برخی از حامیان رئیس‌جمهور نیز طرح سوال را به فال‌نیک گرفته و آن را فرصتی برای پاسخگویی و اثرگذاری بر افکار عمومی می‌دانند. «آذر منصوری» معتقد است: «رئیس‌جمهور هم می‌تواند از این فرصت استفاده کند و حقایق را با مردم در میان بگذارد.» «الیاس حضرتی» نماینده اصلاح‌طلب مجلس نیز می‌گوید: «ما هم فکر می‌کنیم سوال از رئیس‌جمهور فرصتی بی‌ظنیر و طلائی به آقای روحانی می‌دهد و ایشان می‌تواند با استفاده از این فرصت بسیاری از ناگفته‌ها را مطرح کند.»

فصل ششم: جریان‌های سیاسی

۳۶. درباره طرح آشتی ملی و وحدت ملی که اصلاح‌طلبان مطرح می‌کنند توضیح دهید؟

مردم ما که با هم قهر نیستند. ما در کشورمان میان اقوام و مذاهب وحدت و انسجام داریم. آنچه در کشور ما اتفاق افتاده و آنها با پوشش وحدت ملی مطرح می‌کنند، رویکردهای غلط برخی از جریان‌ها و گروه‌های سیاسی بود که در سال ۸۸ شاهد آن بودیم. وحدت باید روی رویکردهای اساسی و حول محور ولایت و منافع ملی اتفاق بیفتد. به عبارتی، برای اینکه گروهی مانند بخشی از اصلاح‌طلبان که رویکردهای خلاف قانون اساسی و خلاف جهت‌گیری‌های نظام و خلاف منافع و مصالح ملی داشتند، بتوانند در جامعه همانند گذشته فعال بشوند، باید رویکردهای خودشان را اصلاح و جبران کنند. پس این گونه نیست که بگوییم در داخل کشور بین احزاب و گروه‌ها اختلاف وجود دارد و آنها باید با همدیگر آشتی کنند. در نظام سیاسی یک محوری وجود دارد؛ ما قانون اساسی را داریم که باید همه به آن و محوریت نظام متعهد باشند. اگر این وفاداری شکل بگیرد، وحدت ملی در حد اعلای خودش وجود دارد. ما بین ملت‌مان دعوا نداریم که بگوییم آشتی ملی. بین مردم ما شکاف وجود ندارد که به دنبال آشتی ملی باشیم. بیشتر این‌گونه احساس می‌کنم که این ادبیات و کلمات یک نوع پوشش برای فرار به جلو و پاک کردن صورت مسئله است. آن کسانی که خطا کردند، به هر حال دست از خطاها بردارند و به اشتباهات خودشان اذعان کنند و به همان مسیر اصلی انقلاب و آنچه قانون اساسی و محوریت نظام مشخص کرده، برگردند. آن موقع است که شاهد تقویت انسجام در داخل و همدلی بیشتر مجموعه در داخل کشور خواهیم بود. باید به این نکته توجه داشت که دشمن با ایجاد شکاف و اختلاف تلاش می‌کند به انسجام در داخل کشور و وحدت آسیب برساند. به نظر می‌رسد، تنها راه حل این موضوع این است

که آنهایی که در مقاطعی دچار اشتباهاتی شدند، اشتباهاتشان را اصلاح کنند. در واقع راهش بحث طرح آشتی ملی نیست که طرفین کوتاه بیایند، بلکه آنها باید بیایند و جبران خطا کنند.

۳۷. رابطه اصلاح طلبان و دولت دوازدهم را چگونه ارزیابی می کنید؟

وقتی رفتارهای سیاسی مجموعه نیروهای اصلاح طلب را تجزیه و تحلیل می کنیم، می بینیم که آنها عمدتاً دولت را به منزله ابزار و وسیله‌ای برای تأمین منافع خودشان در نظر می گیرند و رفتار خودشان را با دولت تنظیم می کنند؛ از این رو یک مقطع به دولت نزدیک می شوند و یک مقطع از دولت دور شده و منتقد آن می شوند؛ در حالی که وقتی در ایران دولت با انتخاب مردم استقرار پیدا می کند، همه باید کمک کنند تا مشکلات کشور حل شود و این خطاست که از دریچه منافع حزبی و گروهی به دولت نگاه شود و سوی حمایت‌ها و نقدها منافع حزبی و گروهی باشد. بهترین نگاه برای حمایت و نقد دولت باید از وجه منافع ملی و مصالح کشور باشد که متأسفانه این رفتار را در اصلاح طلبان نمی بینیم. آنها از منظر گروهی، جناحی و جریانی نوع نگاهشان را به دولت تنظیم می کنند.

اگر بخواهیم برای نگاه از دریچه منافع ملی نمونه‌ای ذکر کنیم، به صراحت می توان به رفتار حضرت آقا طی سی سال نسبت به همه دولت‌ها اشاره کرد که با حمایت دلسوزانه و نقد مصلحانه همراه بوده است.

۳۸. اصلاح طلبان با مطرح کردن عبور از روحانی چه اهدافی را دنبال می کنند؟

وقتی دولت آقای روحانی شکل گرفت، تصور اصلاح طلبان این بود که از طریق برجام آقای روحانی آورده‌های بالایی خواهد داشت و زمینه فراهم می شود تا آنها بتوانند در آینده و در انتخابات آتی به راحتی رأی مردم را داشته باشند؛ به همین دلیل از آقای روحانی با تمام توان حمایت کردند؛ اما از زمانی که ناکارآمدی‌ها برجسته شد و به ویژه مشخص شد برجام از مشکلات ملت گره‌گشایی نمی کند، دو دیدگاه در جریان اصلاحات شکل گرفت که یکی از این دیدگاه‌ها می گوید ما باید حساب خودمان را از دولت روحانی جدا کنیم تا حساب ناکارآمدی دولت به پای ما نوشته نشود و در انتخابات بعدی موفق باشیم. باز هم نگاه آنها به دولت از منظر حزبی، گروهی و جناحی است. گروه دیگری از اصلاح طلبان به دنبال استعفای دولت هستند، که باید پرسید آیا این مشکلی را حل می کند؟ همان‌طور که اشاره کردم، اینها می خواهند خودشان را اپوزیسیون و منتقد دولت معرفی کنند تا ناکارآمدی دولت به پای اینها نوشته نشود، در حالی که انصاف اقتضا می کند همه برای گره‌گشایی از کار مردم به دولت کمک کنند نه اینکه در اوج مشکلات مردم، خود را در موضعی اپوزیسیونی قرار دهند. از دیدگاه من اصلاح طلبان چه خواهند و چه نخواهند ناکارآمدی دولت در پرونده‌شان ثبت می شود؛ چون سهم بالایی در شکل‌گیری این دولت دارند؛ اما امروز وضعیت کشور اقتضا می کند هر کسی که می تواند، کمک کند تا مشکلات مردم حل شود نه اینکه با چرتکه‌اندازی و دو دو تا چهار تا کردن و منافع حزبی و جناحی رویکردی را اتخاذ کنند. به هر حال جنگ، جنگ اقتصادی است و دشمن کشور، مردم، نظام و اقتصاد

ما را هدف قرار داده و با صراحت می‌گوید ما می‌خواهیم معیشت مردم را فلج کنیم و مردم را در سختی قرار دهیم؛ اینجا عقل، منطق، شرع و عرف می‌گوید و اقتضا می‌کند همه بیایند و در مقابل هجوم و نقشه دشمن بایستند.

۳۹. چرا اصلاح طلبان از رو آوردن به سلبریتی‌ها سخن می‌گویند؟

مسئله تعامل با توده‌های جامعه و حفظ هواداران و بدنه اجتماعی را می‌توان مهمترین دغدغه احزاب و گروه‌های سیاسی دانست، که بی‌توجهی به آن به بی‌اعتباری فعالیت‌های سیاسی خواهد انجامید. اصلاح طلبان که روزگاری خود را توده‌ای ترین جریان سیاسی کشور می‌دانستند، مدتهاست که با ریزش آراء مردمی مواجه‌اند و بی‌اعتمادی ایجاد شده نسبت به کارآمدی این جریان در رفع مشکلات کشور که حاصل حمایت از دولت دوازدهم، عملکرد نمایندگان لیست امید در مجلس و حتی عملکرد شهرداری تهران و شورای شهر اصلاح طلب است، آنان را به واکنش‌هایی در این زمینه کشانده است.

این نگرانی را می‌توان در یادداشت "مرتضی حاجی"، عضو بنیاد باران مشاهده نمود که در یادداشتی با عنوان "اصلاح طلبان و چالش جلب سرمایه اجتماعی" به بررسی این دغدغه پرداخته است. از نگاه وی جریان اصلاحات در این شرایط بیش از هر زمانی دیگر وظیفه دارد برای حل مشکلات فوری و ضروری جامعه به ویژه مشکلات اقتصادی همت گمارد. حاجی معتقد است بین اصلاح طلبان و مردم فاصله افتاده و به چالشی بزرگ در این اردوگاه بدل شده است؛ که به واقع حاصل بی‌توجهی به نیازهای واقعی مردم و اولویت یافتن مناقشات سیاسی و جناحی نزد این جریان بوده است، لذا «اصلاحات به تجدید نظر در مورد ارتباط خود با جامعه نیاز دارد. مردم باید احساس کنند که در بطن و متن توجهات اصلاح طلبان قرار دارند و اصلاح طلبان محور اصلی همگرایی خود را پرداختن به مسائل مردم قرار داده‌اند. این مساله بیش از هر چیز دیگری به حل مشکلات جریان اصلاحات و حتی به انسجام تشکیلاتی کمک می‌کند.»

اتخاذ چنین تصمیمی هرچند به ظاهر می‌تواند راهکاری مناسب برای ترمیم اعتماد مردم به اصلاح طلبان باشد، اما باید توجه نمود که معلوم نیست اصلاح طلبان تا چه اندازه توان ارائه چنین راهکاری را داشته باشند، چرا که راهکارهای اقتصادی این جریان نه مبتنی بر خوداتکایی داخلی و تقویت ساخت درونی و توجه به نسخه های اقتصاد مقاومتی، که بر آمده از سیاست‌های توسعه اقتصادی وابسته بوده که اتفاقاً وضع کونی اقتصاد کشور محصول شکست و بن بست همین سیاست‌ها است! به واقع باید گفت که اصلاح طلبان سالیان مدیدی است که از توجه به شعار عدالت در عرصه مسایل اقتصادی فاصله گرفته اند و همه توانشان بر مقولاتی چون دموکراتیزه کردن کشور خرج گردیده است، لذا حرفی قابل ملاحظه برای ارائه در این زمینه برای مردم ندارند! فاصله برآمده نیز به واقع ریشه در همین نقص بزرگ دارد!

همین امر موجب شده تا باز هم نسخه های سیاسی - رسانه ای برای همراه سازی توده ها پیشنهاد شود!

اظهارات مدتی قبل سعید حجاریان در این راستا قابل تأمل و توجه است. وی در گفتگو با روزنامه اعتماد از احتمال پس زدن اصلاح طلبان توسط مردم صحبت می‌کند و اشاره دارد که «اصلاح طلبان در صورت قرار گرفتن در چنین وضعیتی باید سیاست‌های خود را به تعبیر مولانا از دهان غیر مطرح کنند. به این معنا که سیاست‌های شان را نخست با گروه‌های مرجع جدید شامل هنرمندان، مشاهیر و... در میان بگذارند و پس از دریافت بازخوردها و اعمال تغییرات احتمالی، سیاست‌ها توسط همان گروه‌های مرجع جدید در جامعه منعکس شود. یعنی عملاً اصلاح طلبان در این فاز در پشت صحنه قرار بگیرند.»

روی آوردن به سلبریتی‌ها و راضی شدن به بهره برداری سیاسی از ایشان برای تحقق اهداف سیاسی و جناحی، را می‌توان تقویت نوعی خوانش پوپولیستی از سیاست ورزی در اردوگاه اصلاح طلبان دانست که از نوعی انفعال و انسداد سیاسی نزد این جریان حکایت دارد. دستاویزی به پوپولیسم برای حفظ حیات سیاسی در حالی توسط اصلاح طلبان و آن‌هم تئوریسین آنان دنبال می‌شود که این جریان سالیان متمادی است که خود را مبرای از توده‌گرایی دانسته و رقیب سیاسی خود را متهم به اتخاذ رویکردهای پوپولیستی می‌کرده است. واقعیت آن است که بکارگیری چنین رویکردهایی موجب ابتذال در سیاست خواهد شد و بستر را برای فرصت‌طلبانی که خواهند توانست با فریب افکار عمومی آراء ملت را کسب نمایند فراهم خواهد کرد. لذا ضمن آنکه چنین سیاستی دستاورد جدیدی برای اصلاح طلبان به همراه نخواهد داشت و سوابق و پیشینه و اعتبار این جریان را نیز خدشه‌دار خواهد کرد، در سطحی کلان‌تر فضای سیاسی کشور را نیز با آسیب‌های جدی مواجه خواهد نمود.

۴۰. چرا با احمدی نژاد برخوردی صورت نمی‌گیرد؟

۱. بارها دستگاه قضایی آمادگی خود برای برخورد قضایی با احمدی نژاد را اعلام داشته و این اقدام برای نظام مانند سایر افراد در معرض اتهام هزینه‌ای ندارد. هفته گذشته نیز قوه قضائیه اعلام کرد در خصوص کلیپ‌های او در طرح لزوم کنارگیری دولت تشکیل پرونده داده و بی تفاوت نخواهد ماند.

۲. برخورد صبورانه با احمدی نژاد به تحلیل افکار عمومی کمک کرده و سبب ریزش پایگاه وی شده است به گونه‌ای که مطالبه برخورد با وی به یک خواسته عمومی تبدیل شده است.

۳. یکی از دلایل عدم بازداشت احمدی نژاد جلوگیری از دستیابی وی به اهدافش می‌باشد. چراکه از نظر برخی صاحب نظران این اقدام می‌تواند بازی در زمین وی تلقی شده و او را در فرار از پاسخگویی به تخلفاتش کمک خواهد کرد.

۴. احمدی نژاد به شدت از محاکمه خودش بیمناک بوده و تنها راه جلوگیری از آنرا سیاسی جلوه دادن دادگاهش می‌داند. بازداشت وی پیش از بسترسازی لازم اجتماعی و بدون همراهی افکار عمومی می‌تواند به این هدف او کمک می‌کند.

۴۱. آیا احتمال بازگشت احمدی نژاد به آغوش نظام وجود دارد؟

۱. خواسته بسیاری از دلسوزان نظام و کشور این است که احمدی نژاد روش عاقلانه ای را در پیش گرفته و با جبران رفتار گذشته خود در خدمت مردم و انقلاب اسلامی درآید. آغوش نظام برای بازگشت همه نادمان و تواین باز است.
۲. متأسفانه به نظر می‌رسد احمدی نژاد راه بی‌بازگشتی را انتخاب کرده و همه پل‌های پشت سرش را خراب کرده است. دعب وی نیز نشان داده که اشتباهات خود را نپذیرفته و نصایح بزرگان را نمی‌پذیرد.
۳. برخی از کسانی سالها با وی حشر و نشر داشته و او را می‌شناسند امیدی به بازگشت وی ندارند.

۴۲. هدف احمدی نژاد از این جنجال آفرینی‌ها چیست؟

۱. احمدی نژاد بر اساس خصائل شخصی میل به مطرح شدن دارد. او به دلیل پایین بودن وزن سیاسی و پایگاه اجتماعی سکوت و سکون خود را موجب فراموش شدنش در اذهان عمومی می‌داند لذا هر از گاهی برای قرار گرفتن در صدر اخبار اقدام به رفتاری غیرمتعارف و سفرهای استانی می‌زند.
۲. یکی از مهمترین مشکلات احمدی نژاد تصمیم‌گیری بر اساس توهمات ذهنی است و او همواره دیدگاههای خود را بهترین نسخه نجات بخش کشور می‌داند. این درحالی است که وی هشت سال برای خدمت به مردم و کشور دارای بهترین موقعیت و بالاترین سطح حمایت از سوی نظام بوده درحالیکه بسیاری از رفتارها و گفتارهایش در راستای منافع ملی و مصالح کشور قرار نداشت.
۳. کابوس احمدی نژاد اثبات خطاهایش در دادگاه و محکومیت قضایی است و او بهتر از هر کسی می‌داند که نمی‌تواند نسبت به بسیاری از تخلفات مالی و اداری خود پاسخگو باشد. لذا تلاش می‌کند تا از هر طریقی مانع از برخورد حقوقی و قضایی شود. یکی از این راهها فاسد نشان دادن دستگاه قضایی و ناعادلانه نشان دادن نظام است وی در این راه تا به امروز از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

۴۳. علت عدم برکناری احمدی نژاد از مجمع تشخیص مصلحت نظام چیست؟

۱. انتصاب اعضای حقیقی مجمع تشخیص مصلحت بر عهده شخص مقام معظم رهبری بوده لذا برکناری از این سمت نیز در اختیار ایشان می‌باشد. معظم له به دلیل گرفتن بهانه از دست دیگران و سیاست جذب حداکثری تاکنون مصلحت را در حفظ وی دانسته‌اند.
۲. احتمال تاثیر منش بزرگوارانه رهبر معظم انقلاب و حضور او در مجمع تشخیص مصلحت بر رفتارهای احمدی نژاد زیاد بوده و می‌تواند از تندروی بیش از حد وی جلوگیری کند. به عبارت دیگر بودن او در درون نظام با نبودنش تفاوت دارد اگرچه احمدی نژاد متأسفانه نسبت به این بزرگواری مقام معظم رهبری سوءاستفاده کرده است.

۳. برکناری احمدی نژاد از مجمع تشخیص مصلحت نظام نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه ممکن است تا افکار عمومی را به خطا انداخته و نظام را در قرار گرفتن احمدی نژاد در موقعیت اپوزیسیونی مقصر جلوه دهد.

۴۴. با چه ادله و مستنداتی می توان کسانی که معتقدند انتقادات احمدی نژاد دلسوزانه، راهکارهایش عملی و تنها راه نجات کشور بازگشت وی به قدرت می باشد، را اقناع کرد؟

۱. انتقادی احمدی نژاد از ابتدای حضور در عرصه سیاسی کشور افراطی و تخریبی بوده و او به جای اثبات خویش به نفی دیگران پرداخته است. ضمن آنکه در اظهارات خویش علیه دیگران اتهاماتی ناروا و غیرقابل اثبات را مطرح می سازد.
۲. راهکارهایی که تاکنون احمدی نژاد برای اصلاح وضعیت کشور ارائه کرده و حتی در نامه خود به مقام معظم رهبری مورد اشاره قرار داده نه قابل اجراء و نه نتیجه بخش بوده است. از جمله این راهکارها برکناری همزمان رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و انحلال مجلس می باشد که اقداماتی خلاف قانون اساسی بوده و نتیجه ای جز به بن بست کشاندن کشور نخواهد داشت.
۳. احمدی نژاد با قدر شناسی از موقعیت خود فرصت های بسیار طلایی را از دست داد و در زمان حضور در قدرت به جای خدمت به مردم و کشور متاسفانه وارد مسائل حاشیه ای شده که می توان گفت بخش زیادی از مشکلات کشور محصول اشتباهات و خطاهای وی می باشد.

۴۵. چه کسانی و با چه اهدافی هنوز از احمدی نژاد دفاع می کنند؟

۱. مخالفان نظام با هدف قرار دادن وی در برابر نظام و استفاده از ظرفیت گستاخانه او
۲. منفعت طلبان و سود جویان به منظور کسب منافع خویش
۳. حامیان فکری به منظور تحقق آرمان ها و اهداف خویش به کمک و محوریت وی
۴. هواداران متعصبی که به دلیل عدم آگاهی وی را همچنان در خط انقلاب و رهبری می دانند.
۵. اقشار ضعیف جامعه به امید بازگشت وی و ایجاد گشایش احتمالی در وضعیت اقتصادی

۴۶. برخی معتقدند انحراف احمدی نژاد ابعاد فکری پیدا کرده و می تواند منشاء رفتارهای خطرناکی شود آیا این ادعا واقعیت دارد؟

۱. دفاع برخی از جوانانی که انقلاب اسلامی را با احمدی نژاد شناخته اند بیانگر باور اعتقادی آن ها به صحت روش و اتقان اندیشه های او می باشد. اعتماد یک سویه و بیش از حد این گروه به وی می تواند زمینه های ایجاد فرقه های انحرافی شبیه فرقان، مجاهدین خلق (منافقین) و ... را بیانجامد.

۲. گذشته برخی از فرقه های انحرافی نشان می دهد که تقابل آن ها با نظام اسلامی از باورهای غلط و برداشت های نادرست نشأت گرفته است.

۳. شواهد و قرائنی وجود دارد که نشان می دهد برخی از حامیان فکری احمدی نژاد مترصد دست زدن به رفتارهای خشونت آمیز و حذف فیزیکی مخالفان خویش بوده اند.

۴۷. چرا اصرار احمدی نژاد بر لزوم کنارگیری دولت اشتباه و بازی در زمین دشمن تلقی می شود؟

۱۱-۱- اولین اشتباه این جریان مفروض غلط آن هاست که فکر می کنند اگر روحانی برود آن ها جایگزین وی خواهند شد. این درحالیست که شواهد عینی نشان می دهد احمدی نژاد برای بازگشت به کرسی ریاست جمهوری همه پل های پشت سر خود را خراب کرده و رفتارهای نامتعارف و سخنان اپوزیسیونی وی مانع تایید صلاحیت مجددش خواهد شد. ضمن آنکه مردم نیز بارها ثابت کرده اند به طالبان قدرت و کسانی که عطش ریاست دارند اقبال نشان نمی دهند.

۱۱-۲- دومین اشتباه احمدی نژاد روش او برای بازگشت به قدرت و پیشنهاد برکناری دولت فعلی است. در حالی که بر اساس قانون اساسی راه عزل دولت طرح عدم کفایت ریاست جمهوری از سوی مجلس شورای اسلامی می باشد اما احمدی نژاد خواستار عزل رئیس جمهور، همزمان با تعطیلی مجلس و رئیس قوه قضائیه می باشد. روشی که بیش از آنکه راه حل باشد مشکل ساز می باشد.

۱۱-۳- سومین خطای احمدی نژاد اشتباه محاسباتی در پایگاه اجتماعی و توانایی خویش در پاسخ به نیازهای مردم است. احمدی نژاد افزایش مشکلات مردم را مساوی با اقبال عمومی به خود می داند که البته تا حدودی درست است اما مردم ایران توانایی او در حل مشکلات را نیز دیده و حتی وضعیت فعلی را حاصل ناسپاسی ها، رفتارهای غیراخلاقی، خلاف قانون و اختلاف برانگیز وی می دانند.

فصل هفتم: عملکرد رهبری

۴۸. چرا رهبری در برخورد با مفاسد اقتصادی ورود نمی‌کند؟

اگر دقت کنید در می‌یابید ایشان به صورت علنی ورود جدی در این موضوع دارند، حتی خودشان در دیدار عمومی این نکته را مطرح کردند و پاسخ دادند که مطرح می‌شود چرا رهبری ورود نمی‌کند؟ خودشان می‌گویند آنچه در این موارد ایشان به صورت علنی بیان می‌کنند حتی یک‌دهم پیگیری‌ها و صحبت‌هایی نیست که به صورت غیر علنی و حتی توییح از مسئولان پیگیری می‌کنند!

ایشان در دیدار با وزرا و هیئت دولت و تیم‌های مختلف در راستای حل مشکلات کشور ورود جدی دارند و نقشه راه را ترسیم می‌کنند، ولی مشکل این است که دستگاه‌های ما این سیاست‌های رهبری و تدابیرشان را جدی نگرفته و دقیق پیاده نمی‌کنند. شاید بعضاً هم از انجام این کار ناتوان باشند. دلیل این است که به هر حال مجموعه‌هایی که باید به این سیاست و تدابیر عمل کنند منتخب مردم هستند و مردم، دولت را انتخاب می‌کنند، این دولت افراد را به صورت وزیر معرفی می‌کند و وزرا از سوی نمایندگان مجلس که منتخب مردم هستند، رأی اعتماد می‌گیرند؛ فلذا منتخبان مردم هستند که در واقع باید پیاده‌کننده این سیاست‌ها و تدابیر باشند، پس این طور نیست که رهبر معظم انقلاب اگر کار یا تدبیری را از وزیری مطالبه کردند و آن وزیر به این خواسته به موقع پاسخ مثبت نداد، ایشان دست‌شان باز باشد که وزیر را جابه‌جا کنند، چون سازوکاری که فردی بخواهد وزیر را جابه‌جا کند در قانون تعریف شده و رهبر معظم انقلاب بر اساس جایگاه خودشان که در قانون اساسی بیان شده مطالبه می‌کنند و بعضاً در جلسات علنی و عمومی مطرح می‌کنند.

شاید برخی این طور تصور کنند که رهبری خودشان عملاً باید وارد کار شوند. رهبری اگر بخواهند کاری کنند باید مبتنی بر قانون باشد و قانون اساسی دخالت مستقیم در کارهای اجرایی را وظیفه دولت می‌داند

و مداخله ایشان در امور اجرایی کشور با قانون اساسی مغایرت دارد. به نظر می‌رسد اگر در رویکردها و جهت‌گیری‌های رهبر معظم انقلاب دقت کنیم، در می‌یابیم که ایشان بیشترین اهتمام را برای حل مسائل جامعه و حل مشکلات مردم دارند.

۴۹. در حالی که ریشه مشکلات اقتصادی به ضعف عملکرد دستگاه اجرایی برمی‌گردد چرا در تجمعات اعتراضی اغلب شعارها علیه نظام و رهبری است؟

۱. یکی از اهداف اصلی دشمنان انقلاب اسلامی در تحمیل جنگ اقتصادی به کشور، زدن نقاط قوت نظام جهت کنترل روند قدرت یابی و قدرت سازی کشور است که مهمترین آنها اصل مترقی ولایت فقیه و مصداق آن شخص مقام معظم رهبری است.
۲. برنامه‌ریزی گروهک‌های ضدانقلاب جهت راه اندازی تجمعات اعتراضی و حضور فعال آنها در این آشوب‌ها سبب جهت‌دهی مطالبات مردم به سمت شعارهای سیاسی می‌گردد. نتیجه و تاثیر این حضور را می‌توان در سر دادن شعارهای ضد نظام و رهبری مشاهده کرد.
۳. البته نباید از نظر دور داشت که ناکارآمدی دستگاه‌های مختلف سبب سرریز شدن آن به سمت کلیت نظام می‌گردد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب مردم نظام را یک کل یکپارچه می‌بینند و اجزاء آن را تفکیک نمی‌کنند. لذا افکار عمومی نارسایی در یک بخش را محصول ضعف سیستم تلقی کرده و مطالبات خود را متوجه کلیت آن می‌کند.

۵۰. علت ناکارآمدی در نهادهای انتصابی تحت نظر رهبری چیست؟

مهمترین نهادهایی که انتصاب مسئول آن به عهده رهبری می‌باشد قوه قضائیه، نیروهای مسلح و صدا و سیما می‌باشند. اشکالات دستگاه قضایی سهواً و عامداً متوجه مقام معظم رهبری می‌شود در حالی که این دستگاه یکی از قوای مستقل کشور بوده و تنها انتصاب مسئول آن مطابق با اصل ۱۱۰ قانون اساسی به عهده رهبری می‌باشد که دوره آن پنج سال می‌باشد. این انتصاب طبق قانون به مفهوم مدیریت و پاسخگویی مقام منصوب کننده نیست. دستگاه قضایی کاملاً مستقل اداره شده و منصب قضاوت یکی از مستقل‌ترین مشاغل در نظام جمهوری اسلامی است. لذا بر اساس قانون هیچ کس نمی‌تواند در روند دادرسی و صدور حکم به قاضی دستور دهد.

انتصاب ریاست صدا و سیما نیز مطابق با قانون مجلس شورای اسلامی بر عهده رهبری نهاده شده که تا قبل از وضع این قانون به شکل شورایی اداره می‌شد. این انتصاب نیز وفق قانون هیچ مسئولیتی در اداره این مجموعه را متوجه رهبری نمی‌کند. این قاعده در خصوص نیروهای مسلح متفاوت بوده و رهبری شخصاً فرماندهی کل قوا را به عهده دارند و این مجموعه را مدیریت می‌کنند.

تغییر رئیس دستگاه قضایی و یا ریاست صدا و سیما اگرچه بر مدیریت مجموعه تاثیر گذار می‌باشد اما این

تغییر الزاماً به مثابه اصلاح دفعی تمامی اشکالات سیستم و کارآمدسازی یک شبه آن نیست. تجربه در تغییر مسئولان متعدد در این مجموعه ها نیز موید این ادعاست.

ضمن آنکه باید یادآور شد بخشی از هیاهوهای تبلیغاتی و جنجال سازی رسانه ای علیه نهادهای تحت نظر رهبری در پازل عملیات روانی دشمن جهت تخریب رهبری تعریف می شود.

۵۱. در حالی که بخشی از نارضایتی مردم به عملکرد دستگاه قضایی باز می گردد، علت عدم تغییر رئیس قوه قضائیه چیست؟

تغییر رئیس دستگاه قضا بر اساس قانون دارای زمان بندی خاص و مشخص بوده و مطابق با آن این تغییر صورت می گیرد. تمدید دوره مسئولیتی برخی از اشخاص در این سمت نیز وفق قانون و بر اساس مجموعه عملکردها صورت می گیرد. نفس تغییر اشخاص الزاماً به مفهوم افزایش بهره وری و کارآمدی یک مجموعه نبوده و عقلاً و منطقاً چنانچه تغییر و تعویض مسئولان نتواند در روند بهبود شرایط یک مجموعه موثر باشد اقدامی عبث و چه بسا به دلیل تجارب مسئول فعلی سبب هدر رفت هزینه ها و تحمیل اشکالات جدیدتر ناشی کسب تجربه برای مسئولان جدید گردد.

اگرچه همه مسئولان دارای نقاط قوت و ضعفی هستند اما در دوره ریاست آیت الله آملی لاریجانی شاهد اتفاقات خوبی در این مجموعه بوده ایم که از مصادیق بارز آن قاطعیت بیشتر در برخورد با مفاسد اقتصادی به ویژه دانه درشت ها از جمله منسوبین به دولت های گذشته و دولت فعلی در حد معاون اول و وابستگان درجه یک رییس جمهور و معاونین می باشد. ضمن آنکه در این دوره برخورد با فساد دورن سیستمی به شکل بی سابقه ای افزایش یافته و نتایج بسیار خوبی در پی داشته است.

بخشی از اعتراضات علیه مسئولان دستگاه قضایی سیاسی و بخشی نیز ناشی از عملکرد آن بوده که در طول چهل سال گذشته مشاهده شده و این اعتراضات صرف نظر از شخصیت مسئول در آن قوه ثابت و مستمر بوده است. چراکه به طور طبیعی از هر دو نفری که به این دستگاه مراجعه می کنند یکی راضی و دیگر ناراضی می باشد و اصحاب قدرت و دانه درشت ها هنگام در معرض قرار گرفتن اتهام، بسادگی عبور نکرده و اقدام به جنجال آفرینی می کنند که مصداق بارز آن در مناقشات رئیس دولت سابق هنگام رسیدگی به پرونده های بقایی و مشایبی مشاهده شد.

۵۲. در حالی که عدم آگاهی مردم از تلاش های رهبر معظم انقلاب جهت حل مشکلات کشور سبب قضاوت نادرست آنها می شود چرا در این زمینه اطلاع رسانی لازم صورت نمی گیرد؟

مقام معظم رهبری اقدامات خود جهت حل مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی کشور را با هدف اثربخشی و حل مشکلات کشور انجام داده و مقصود رسانه ای و تبلیغاتی ندارند. ضمن آنکه اغلب این

جلسات به صورت محرمانه و محتوای آن‌ها دارای طبقه بندی می باشد.

عدم توجه به ضرورت اطلاع رسانی در زمینه فعالیت های رهبر معظم انقلاب و نهادهای منتسب به ایشان سبب شده تا ساختاری با این مسئولیت تشکیل نشود. لذا تاکنون اقدامی نیز در این راستا صورت نگرفته است.

متأسفانه رسانه های انقلابی و وفادار به نظام نیز که باید نقش فعالی در این عرصه داشته باشند، در این زمینه کوتاهی کرده و متناسب با حجم فعالیت ها اقدامات لازم را مبذول نمی دارند.

۵۳. هر از گاهی شایعات پیرامون منابع درآمدی بیت رهبری و فعالیت های اقتصادی فرزندان مقام معظم رهبری مطرح می شود. چرا در زمینه پاسخ به این شایعات اقدام رسانه ای فعالی صورت نمی گیرد؟

به نظر می رسد اغلب مجموعه های مسئول و رسانه های خودی نسبت به اینگونه شایعات و تاثیر آنها بر افکار عمومی بی تفاوت بوده و برخی نیز بر این گمان هستند که پاسخگویی به این مسائل سبب پخش شایعات و دامن زدن به آنها می شود. گاهی نیز علنی بودن کذب این گونه شایعات و پاکدستی و ساده زیستی منتسبین به رهبر معظم انقلاب موجب می شود تا افراد مطلع احساس کنند که اینگونه اتهامات به دلیل عدم انطباق آشکار آن با واقعیات برای افکار عمومی غیر قابل باور بوده و ارزش پاسخگویی ندارند.

در جواب باید گفت حضور بی آرایش اعضای خانواده و فرزندان رهبر معظم انقلاب در مجامع عمومی و محافل درس و تدریس به اندازه علنی و بعضاً رسانه ای است که ضرورت اطلاع رسانی در خصوص زندگی شخصی، فعالیت های روزانه، شغل و دارایی های ایشان را کاهش داده است.

از سویی دیگر منتسبین سببی و نسبی رهبر معظم انقلاب حضور رسانه ای و معرفی خویش را در راستای شهرت طلبی و سوء استفاده از موقعیت خویش می دانند و اجازه طرح شدن در فضای رسانه ای را نمی دهند.

۵۴. حمایت رهبر معظم انقلاب اسلامی از دولت اعتدال در حالی که با دولت مطلوب و طراز انقلاب اسلامی فاصله داشته و ناکارآمدی ها و برخی مواضع غیرانقلابی آن موجب رنجش خاطر نیروهای انقلاب است، چگونه قابل توجیه است؟

حمایت مقام معظم رهبری از دولت ها به شکل عام بوده و مشمول همه دولت ها می شود، چرا که تحمل بار اجرایی کشور ساده نبوده و معظم له به دشواری و سختی این کار واقفند، لذا با حمایت خود به دولت در حل مشکلات کشور کمک می کنند. دولت نماینده تمامی ملت در قوه مجریه بوده و رییس آن با بیشترین آرا و قریب به ۲۵ میلیون رای به این سمت انتخاب شده است و طبیعی است که رهبری به مثابه بزرگترین حافظ نظام مردم سالاری دینی حامی دولت برگزیده مردم باشد.

عدم حمایت رهبری تبعات فراوانی برای نظام اسلامی خواهد داشت، از جمله آنکه این شائبه در اذهان عمومی شکل می گیرد که علت عدم موفقیت دولت در حل مشکلات کشور به خاطر عدم همراهی رهبری نظام

است. در حالیکه رسیدگی به مشکلات مردم و ایجاد رفاه نسبی برای مردم یکی از اهداف انقلاب اسلامی است. ضمن آنکه عدم حمایت فرصت را برای بهره برداری دشمنان داخلی و خارجی نظام اسلامی فراهم می آورد. همچنین عدم حمایت رهبری از دولت نه تنها موجب اصلاح رویکردها و سیاست دولت نمی شود بلکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. یکی از راههای طرح مطالبات و سازنده کردن انتقادات برقراری ارتباط نزدیک و صمیمانه، حمایت و دلسوزی برای دولت است.

فصل هشتم: عملکرد دستگاه قضایی

۵۵. قوه قضائیه در جنگ اقتصادی چه وظیفه‌ای دارد؟

قضاوت عمومی این است که قوه قضائیه متناسب با وضعیتی که در آن قرار داریم به وظایف خود عمل نمی‌کند در بیانات رهبر معظم انقلاب می‌بینیم که هر وقت دیدارهایی صورت می‌گیرد در سخنان‌شان این‌گونه برداشت می‌شود که انتظار ایشان از قوه قضائیه برآورده نشده است. برای نمونه اگر ما به عقب برگردیم می‌بینیم فرمان ۸ ماده‌ای رهبر معظم انقلاب برای سال ۱۳۸۰ است؛ یعنی در واقع ۱۷ سال پیش معظم‌له فرمان ۸ ماده‌ای مبارزه با مفاسد اقتصادی را به سران سه قوه ابلاغ کردند و تصریح داشتند که به صورت جدی مبارزه با مفاسد آغاز شود و نسبت‌ها در نظر گرفته نشود. نسبت‌ها به معنای اینکه چه کسی فرزند چه کسی است و به اعتراضاتی که به دلیل برخورد با نزدیکان مسئولان بلند می‌شود، توجه و مبارزه به شکل جدی دنبال شود. خب در اواخر دولت آقای احمدی‌نژاد وقتی پرونده سه هزار میلیاردی مطرح شد، ایشان در واکنش به این موضوع فرمودند، اگر آنچه گفته شد در بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی در این سال‌ها جدی گرفته می‌شد، امروز شاهد این پرونده‌ها نبودیم. به این معنا که قوه قضائیه وظایفش را به خوبی انجام نداده است. اگرچه طی سال‌های اخیر قوه قضائیه نسبت به گذشته فعال‌تر شده، ولی حرکتش باید شتاب بیشتری بگیرد و مردم این انتظار را دارند که انتظار بحقی است. اگر کسانی مخلّ امور اقتصادی شده‌اند و به تعبیر مقامات عالی قضایی مفسد اقتصادی هستند و با دشمن همسویی دارند، انتظار مردم این است که به سرعت رسیدگی شود و مجازات صورت گیرد.

یکی از اشکالات این است که قوه قضائیه امروز رفتارش در برخورد با مفسدان متناسب با اوضاع عادی است، در حالی که ما در وضعیت جنگ اقتصادی هستیم و نمی‌توان به صورت عادی به چنین موضوعات مهمی رسیدگی کرد. نباید این رسیدگی‌ها طولانی‌مدت شود؛ چرا که زمانبر شدن آن با مطالبه مردم و رهبری

سازگاری ندارد. هر کشوری که درگیر چنین جنگی است، با افرادی که مثلاً جاسوسی می‌کنند یا اخلال ایجاد کرده و کارشکنی می‌کنند، با تشکیل دادگاه صحرایی برخورد می‌کنند. در واقع باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن محاکمه، اعلام مجازات و اجرای آن طول بکشد تا عبرت دیگران شود. امروز اگر دستگاه قضایی این احساس را پیدا کند که در زمان جنگ قرار داریم که ماهیتش اقتصادی است، کسانی که دچار جرایم اقتصادی از جمله احتکار و اخلال و غارت بیت‌المال شده‌اند را به سرعت محاکمه خواهد کرد؛ چرا که این امر ارتباط مستقیمی با اقتصاد ملی و معیشت مردم دارد و می‌تواند برای کشور عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد.

۵۶. چگونه می‌توان اعتماد عمومی به قوه قضائیه را تقویت کرد؟

امروز مردم از قوه قضائیه گله‌مند هستند و رضایت خوبی ندارند؛ چرا که احساس می‌کنند برخورد قوه قضائیه با مفسدان اقتصادی با نیازهای روز جامعه ما متناسب نیست. مردم معتقدند، اگر مفسدان اقتصادی با برخورد نامناسب روز به روز جسارت بیشتری پیدا کنند و خلاف بیشتری انجام دهند، این موضوع به نداشتن قاطعیت قوه قضائیه برمی‌گردد؛ از این رو مردم از هر نوع رفتار انقلابی، قانونی، با صلابت و شجاعت قوه قضائیه با مفسدان و برخورد با کسانی که خیانت می‌کنند و ضربه می‌زنند، استقبال می‌کنند. من فکر می‌کنم بین برخورد قوه قضائیه با فساد و اعتماد مردم به این قوه ارتباط مستقیمی وجود دارد.

هرچه برخورد قوه قضائیه با مفسدان و اخلال‌گران شجاعانه و انقلابی‌تر باشد، اعتماد مردم بالاتر می‌رود و آنجایی که قوه قضائیه آن برخورد انقلابی و شجاعانه را نداشته باشد، مردم ناامید می‌شوند؛ البته قوه قضائیه نمونه این برخوردهای انقلابی را دارد و باید خوب اطلاع‌رسانی شود. در مواردی که ضعیف است، باید حرکت خود را شتاب ببخشد؛ چون به هر حال وقتی اطلاعاتی در جامعه منتشر می‌شود؛ برای نمونه الآن در وضعیتی که در بازار ارز و سکه وجود دارد و افرادی دستگیر شدند، گاهی مطرح شد که افراد دخیل در حد محارب و مفسد فی‌الارض هستند؛ یعنی این انتظار در مردم به وجود آمده است که برخورد با مفسدان فی‌الارض باید با شجاعت باشد. اگر چنین اتفاقی بیفتد اعتماد مردم افزایش پیدا می‌کند و اگر نه اعتماد مردم نسبت به آن چیزی که الآن هست، بیشتر مخدوش می‌شود.

فصل نهم: عملکرد سپاه پاسداران

۵۷. برخی از جریان‌های سیاسی و افراد، سپاه را به دخالت در سیاست و مسائل سیاسی متهم کرده و این رفتار سپاه را مخالف قانون و رهنمودهای حضرت امام (ره) ارزیابی می‌کند. آیا این اتهام درست است؟

برای پاسخ به این سؤال باید به دو نکته توجه داشت:

نکته اول) سپاه از چه فلسفه وجودی برخوردار است و ماهیت آن چیست و از منظر قانون اساسی، اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی و همچنین از دیدگاه امام و رهبری دارای چه وظایف و ماموریت‌هایی می‌باشد.

نکته دوم) از نظر قانون و حضرت امام (ره) چه محدودیت‌ها و حوزه‌های ممنوعه‌ای برای نیروهای مسلح از نظر عمل و رفتار سیاسی وجود دارد.

در خصوص نکته اول باید گفت، سپاه یک نیروی صرفاً نظامی مانند ارتش نیست. اگر این گونه باشد که خلاف عقل و تدبیر است تشکیل دو ارتش و دو نیروی مسلح موازی در یک کشور. اگر در قانون اساسی در کنار ارتش، تشکیل و بقاء یک نهاد و سازمان انقلابی با عنوان سپاه پاسداران مورد توجه واقع شده، به خاطر رسالت متفاوتی است که برای این نهاد انقلابی منظور شده است. این رسالت در عنوان سپاه دیده شده است. سپاه نهادی است که پاسدار انقلاب اسلامی است. معنای این سخن و این قانون، آن است که انقلاب اسلامی همواره با خطرات و تهدیدات و آسیب‌هایی مواجه است و برای دفع این خطرات، آسیب‌ها و تهدیدات، سپاه باید اقدامات لازم را به هنگام انجام دهد. تهدیدات متوجه انقلاب صرفاً نظامی نیست که اقدام مقابل آن از سوی سپاه هم صرفاً نظامی باشد. تهدیدات و خطرات که تجربه چهل ساله انقلاب هم آن را نشان می‌دهد، می‌تواند

دارای ماهیتی نظامی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد. بر همین اساس، سپاه که فلسفه وجودی و رسالتش، پاسداری از انقلاب اسلامی است، باید دارای قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و آمادگی‌هایی برای اقدام در تمامی این حوزه‌ها بر حسب نیاز انقلاب باشد. از همین روی مقام معظم رهبری، هم به عنوان رهبر انقلاب و هم به عنوان فرماندهی معظم کل قوا؛ می‌فرمایند، اقدام سپاه صرفاً نظامی نیست، اقدام سپاه سیاسی، نظامی، امنیتی و فرهنگی است. کسانی که به اقدامات سپاه در حوزه سیاسی اشکال وارد می‌کنند، یا به ماهیت و فلسفه وجود سپاه توجه ندارند، یا اینکه به دنبال پایان بخشی به دوران انقلابی‌گری در کشور بوده و سپاه را مانع بزرگ سر راه خود می‌دانند.

اما در خصوص نکته دوم باید گفت؛ تمام محدودیت‌های قانونی و هر آنچه حضرت امام (ره) برای نیروهای مسلح و از جمله سپاه منظور کرده است، مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده، فرماندهان و مسئولان سپاه هم خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند. بنابراین می‌توان گفت، سپاه در حوزه رفتار سیاسی، دارای قلمروهای مجاز و قلمروهای ممنوعه است.

قلمروهای ممنوعه همان مواردی است که قانون اساسی دیگر قوانین موضوعه و حضرت امام (ره) مشخص کرده است ورود به احزاب و دستجات سیاسی برای نیروهای مسلح ممنوع است. ورود به بازیها و باندهای سیاسی از موارد ممنوعه است ورود مصداقی در انتخابات به نفع یک کاندیدا و به ضرر کاندیداهای دیگر ممنوع است اما قلمروهای مجاز فعالیت سیاسی، جایی است که اقتضای پاسداری از انقلاب است. به عنوان مثال در دوره اصلاحات و مجلس ششم، عده‌ای تحت عنوان اصلاحات به دنبال براندازی قانونی جمهوری اسلامی بودند! بدیهی بود که سپاه در آن شرایط، با هر نوع حرکت براندازانه مقابله نماید. قابل توجه اینکه بسیاری از حملات و تخریب‌ها علیه سپاه، از همان دوران و از سوی کسانی انجام گرفت که به دنبال براندازی جمهوری اسلامی تحت پوشش اصلاحات بودند. کسانی که در سال ۱۳۸۸ هم در بستر انتخابات به دنبال پیاده سازی انقلاب مخملین بوده و آن فتنه عمیق را به پا کردند. برخی از این افراد، اکنون با صراحت موضوع براندازی را مطرح می‌کنند و ارتباطات‌های خود با بیگانگان را هم آشکار ساخته‌اند.

۵۸. در شبکه‌های اجتماعی عده‌ای سپاه را به عنوان عامل اصلی مشکلات اقتصادی کشور معرفی می‌کنند و می‌گویند، ورود سپاه به فعالیت‌های اقتصادی این مشکلات را به وجود آورده است به این اتهام چگونه باید پاسخ داد؟

برای پاسخ به این قبیل سوالات باید به چند نکته توجه داشت:

۱) ورود سپاه به عرصه سازندگی کشور از زمان پس از جنگ تاکنون، به درخواست دولت‌ها و بر اساس اصل ۱۴۷ قانون اساسی بوده است. این اصل دولت را ملزم می‌کند تا در زمان صلح از نیروهای مسلح در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهادسازندگی برای پیشبرد کشور استفاده نماید.

۲) فعالیت‌های سپاه در حوزه اقتصادی، دارای رویکرد درآمدزایی نیست و عمده این فعالیت‌ها در ۲

بخش است:

الف) جهاد سازندگی و محرومیت زدایی در مناطق محروم کشور

ب) فعالیت‌های سازندگی و عمرانی در قالب پروژه‌های بزرگ

۳) سپاه در پذیرش پروژه‌ها همانند دیگر پیمان کاران در مناقصه‌ها شرکت کرده و دولت بر اساس ضوابط و مقررات خودش پروژه‌ای را واگذار می‌نماید.

۴) سپاه با پذیرش پروژه‌های سنگین به ویژه در حوزه نفت و گاز یا آب رسانی و سد سازی، نه تنها رقیب بخشی خصوصی نبوده، بلکه سپاه از طریق ورود به پروژه‌های کلان که پیش از این شرکت‌های بزرگ خارجی مانند توتال و — این قبیل پروژه‌ها را در اختیار داشتند، زمینه فعال شدن صدها پیمان کار داخلی را فراهم کرده است. به عبارتی در بسیاری از پروژه‌های بزرگ، مدیریت کلان پروژه در اختیار سپاه بوده لکن سپاه برای انجام کار از پیمانکاران و نیروهای متخصص کشور استفاده می‌کند.

۵) سپاه با ورود به عرصه سازندگی کشور و پذیرش پروژه‌های کلان، از یک سو نقش مهمی در عمران و آبادانی کشور داشته، از سوی دیگر دشمنان را در جنگ اقتصادی علیه ملت ایران با شکست مواجه ساخته است. به عنوان مثال، نقش سپاه در پروژه‌های بزرگ عسلویه (فازهای ۱۵ و ۱۶) و همچنین ساخت پروژه بزرگ پالایشگاه ستاره خلیج فارس، موجب شد تا دشمن نتواند صنایع نفت و گاز ایران را زمین بزند پروژه بزرگ ستاره خلیج فارس با تولید روزانه ۳۶ میلیون لیتر بنزین، کشور را از نظر واردات بنزین بی نیاز ساخت و ابزار تحریم بنزین مصرفی در داخل کشور را از دست دشمن خارج ساخت.

۶) آخرین نکته بسیار مهم اینکه، از نظر کارشناسی عوامل اصلی مشکلات اقتصادی کشور، هیچ ارتباطی با سپاه ندارد. وابستگی اقتصادی ایران به نفت و دولتی بودن اقتصاد کشور، ریشه تمامی مشکلات اقتصادی است. دولتها طی سالهای مختلف برای گره‌گشایی از اقتصاد کشور، می‌بایست با برنامه‌های صحیح اقتصاد کشور را از دولتی بودن و وابستگی به درآمدهای نفتی و آن هم به صورت خام فروشی نجات می‌دادند. این موضوع هیچ ربطی به سپاه ندارد. همچنین از دیگر عوامل مشکل ساز در حوزه اقتصاد، می‌توان به عواملی چون: رشد افسارگسیخته نقدینگی، قاچاق کالا، واردات غیر ضرور به داخل کشور، اشکالات اساسی در نظام بانکی، بهره‌وری پایین و اشکال در نظام مالیاتی اشاره کرد هیچ یک از این موارد به سپاه ارتباط ندارد و اصلاح این موارد بر عهده دولت و دیگر قوا می‌باشد.

۵۹. سپاه در جایگاه پاسدار انقلاب چه نقشی در مقابله با جنگ اقتصادی علیه ملت ایران دارد؟

به هر حال وقتی که جنگ اقتصادی علیه کشور ما شکل می‌گیرد و دشمن، ملت را در این جنگ نشانه رفته همه در اینجا مسئولیت پیدا می‌کنند. همه قوای کشور، سازمان‌ها، نهادها، آحاد مردم و رسانه‌ها هر یک سهمی دارند، اما سپاه در این میان یک جایگاه ویژه‌ای دارد که این امر به ماهیت سپاه بر می‌گردد. سپاه

پاسداران در واقع یک نهاد انقلابی است که رهبر معظم انقلاب تصریح دارند بعد نهادی سپاه بر بعد سازمانی آن غلبه دارد، به این معنا که انقلاب هر کجا در تنگنا قرار بگیرد و به یک نیرویی نیاز داشته باشد، سپاه پاسداران باید به آن عرصه ورود کند، ما یک ورود برجسته سپاه را سال ۵۸ داریم در مقابله با اخلال‌های امنیتی و غائله‌های تجزیه‌طلبی کردستان، سیستان و بلوچستان و... همچنین در مقابله با تروریسم و بمب‌گذاری‌ها سپاه نقش ایفا کرد. در جنگ تحمیلی حضور مؤثر یافت و در کنار ارتش و دیگر نیروهای مردمی و بسیج از کشور دفاع کرد. البته شاکله اصلی سپاه به این سبب شاکله گردان و تیپ و قرارگاه و نیروهای چهارگانه شد. سپاه مجموعه نهادی است که وقتی انقلاب تهدید می‌شود باید ورود کند، الان جنگ اصلی، جنگ اقتصادی است، مشکلات کشور ما مشکلات اقتصادی است، در اینجا سپاه ظرفیت‌هایی دارد و باید از این ظرفیت‌ها بهره‌برداری کند، سال‌های گذشته همکاری سپاه با دولت‌های مختلف را داریم که خیلی از کارشناسان معتقدند همین همکاری‌های سپاه از بعد از جنگ در دولت‌های مختلف بود که سبب شد دشمنان از تحریم‌ها بهره‌هایی که می‌خواستند را نبرند و کارشان کارساز نبود و علت اصلی عصبانیت آنها، به ویژه آمریکایی‌ها از سپاه فقط به مسائل منطقه‌ای در سوریه و عراق مربوط نمی‌شود. وقتی سپاه پاسداران در عسلویه فازهای ۱۵ و ۱۶ و در بندرعباس پالایشگاه ستاره خلیج فارس را به نتیجه می‌رساند، در حوزه انرژی، آب و ابرپروژه‌های عمرانی کشور فعالیت‌های موفق دارد، از این هم ناراحت می‌شوند. دشمن متوجه است که با ظرفیتی که سپاه دارد می‌تواند در حوزه اقتصاد هم حماسه بیافریند. وقتی جنگ اقتصادی دشمن تشدید می‌شود، بدیهی است که وظایف سپاه هم سنگین‌تر می‌شود و مجموعه‌های دیگر را هم فعال‌تر می‌کند، این ظرفیت زمانی فعال‌تر می‌شود که دولت اهتمام داشته باشد، به ویژه وقتی مطرح می‌کنند که اقتصاد مقاومتی مردم‌پایه است و سپاه مردم را در بسیج سازمان داده است. سپاه به راحتی می‌تواند طرح‌های مردم‌پایه برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در کشور را از طریق بسیج راه‌اندازی کند. البته این امر توجه و مطالبه دولت را می‌طلبد که به مسئله نقش آفرینی سپاه توجه نشان دهد.

۶.۰ در برخی از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مطرح است که سپاه از ابتدای انقلاب تاکنون، با همه دولت‌ها مخالف بوده و مشکل داشته است. آیا این ادعا درست است و اگر درست است دلیل آن چیست؟

ادعای مخالفت سپاه با دولت‌ها از ابتدای انقلاب تاکنون یک سخن نادرست است و هیچ کس نمی‌تواند آن را اثبات کند هر یک از دولت‌ها را سپاه پس از استقرار بر طبق موازین قانونی و شرعی و از جمله تنفیذ حکم ولایت، مشروع دانسته و با آنان در تمامی حوزه‌ها همکاری داشته است. بنابراین در تمامی دوره‌ها دو عنصر پذیرش و همکاری در رفتار و مواضع سپاه نسبت به دولت مشاهده می‌شود. اکنون هم نگاه سپاه به دولت مستقر یعنی دولت آقای روحانی همینطور است اما آن چیزی که باعث شکل‌گیری ذهنیت‌ها و بعضاً طرح ادعاهایی شده دو نکته است:

۱- سپاه به اقتضای پاسداری از انقلاب اسلامی و ماهیتی که دارد، همواره از همه دولت‌ها، رفتار انقلابی،

مواضع انقلابی و اتخاذ سیاست‌های انقلابی را در حوزه‌های گوناگون مطالبه کرده است.

۲- در هر یک از دولت‌ها در مواردی خاص، رفتارها و مواضع غیر همسو با حرکت انقلاب و ارزش‌های انقلاب وجود داشته، در همین موارد سپاه به عنوان منتقد آن مواضع و رفتارها ظاهر شده و به وظیفه انقلابی خود عمل کرده است.

بسیار روشن است که مخالفت سپاه با یک موضوع یا عمل خاص در یک دولت را، نمی‌توان به معنای مخالفت سپاه با کلیت دولت تلقی کرد ما همین نوع برخورد را در مواضع امام و رهبری نسبت به دولت‌ها در تمامی دوره‌ها مشاهده می‌کنیم.

۶۱. آقای روحانی در مناظره‌های انتخاباتی از نمایش موشکی و پرتاب موشک به عنوان یک اقدام با هدف ناکام گذاشتن برجام یاد کرد و چندی قبل هم پس از خروج آمریکا از برجام، آقای علی مطهری نماینده مجلس با صراحت گفت، مسئولیت وضع کنونی بر عهده کسانی است که با موشک پرانی، نگذاشتند برجام به نتیجه برسد آیا این تحلیل درست است؟

با قاطعیت می‌توان گفت، این ادعاها قابل اثبات نیست و عمدتاً این نوع سخن‌ها و مواضع با هدف صرفاً سیاسی اتخاذ می‌شود و جنبه تبلیغاتی دارد و از اخلاق و انصاف به دور است. با توجه به چند نکته، می‌توان نادرستی این تحلیل و موضع‌گیری را اثبات نمود:

الف) موضوع برجام صرفاً برنامه هسته‌ای کشور را شامل و به هیچ موضوع دیگری ارتباط ندارد. جمهوری اسلامی در برجام، مجموعه‌ای از محدودیت‌ها را در برنامه‌ها و فعالیت‌های هسته‌ای ایران پذیرفت و از زمان اجرایی شدن برجام تاکنون به تمامی این تعهدات عمل شده است. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در چند نوبت پایبندی ایران به تعهدات برجامی‌اش را تایید کرده است. بنابراین جمهوری اسلامی در برجام، نسبت به برنامه موشکی ایران هیچ تعهدی نداده تا بگوییم سپاه با پرتاب کردن موشک در مسیر اجرای برجام اخلال ایجاد کرده است.

ب) آزمایش و پرتاب موشک، یک رویه ثابت برنامه‌ای در نیروی هوافضای سپاه است. کشور ما در سال گذشته به صورت مستمر با تهدیدات نظامی دشمنان مواجه بوده، ارتقای توانمندی‌های دفاعی و نظامی و از جمله موشکی، شرط لازم برای جلوگیری از عملی شدن تهدیدات نظامی دشمن است. در آن مقطع هم پرتاب موشک و نمایش شهرهای موشکی، هدفی جز نمایش اقتدار در برابر تهدیدات دشمن نداشت. بنابراین خلاف انصاف است که گفته شود این اقدام، با هدف ناکام گذاشتن برجام انجام شده است آن هم اقدامی که هیچ ارتباطی با برجام ندارد و نخواهد داشت.

ج) عدم پایبندی آمریکایی‌ها به برجام و در نهایت خروج آنان از برجام هیچ ارتباطی با پرتاب موشک سپاه ندارد آمریکایی‌ها از طریق برجام هسته‌ای به دنبال تغییر رفتار ایران در تمامی حوزه‌های نظامی، منطقه‌ای،

حقوق بشر و ... بودند.

آقای اواما رئیس جمهور وقت آمریکا در زمان انعقاد برجام، با صراحت اعلام کرد جمهوری اسلامی زمانی می تواند از منافع اقتصادی برجام بهره ببرد که به روح برجام عمل کند. وی روح برجام را به تغییر رفتار ایران در همه حوزه ها تفسیر کرد. آقای ترامپ هم با همین منطق از برجام خارج شد بنابراین عمل نکردن آنان به برجام، ریشه در خوی زیاده خواهی و اساساً غیر متعهد بودنشان به هر نوع تعهدی دارد که بر خلاف منافع خود تشخیص دهند.

آمریکایی اکنونی منافع خود را در تسلیم شدن ملت ایران، شکست انقلاب اسلامی و براندازی جمهوری اسلامی می دانند با این وصف بسیار جای تاسف است که افرادی مثل آقای علی مطهری، به جای تاختن به آمریکای ناقص برجام و عهد شکن، بخشی از حاکمیت و از جمله موشک پرانی سپاه را عامل ناکامی برجام می داند.

۶۲. نقش سپاه در اقتصاد مقاومتی چگونه است؟

سپاه به همراه بسیج ظرفیت های بسیار بالایی برای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی دارد. در سال های پس از جنگ، بخشی از این ظرفیت ها و توانمندی ها در قالب پروژه هایی که دولت واگذار کرده، به کار گرفته شده و اکنون نتایج آن آشکار شده است ساخت پالایشگاه ستاره خلیج فارس از سوی سپاه، ظرفیت ها و توانایی های دانشی، فنی و مدیریتی سپاه را به صورت عملی به نمایش می گذارد این پالایشگاه با ظرفیت تولید روزانه ۳۶ میلیون لیتر بنزین، در مقاوم سازی اقتصاد ایران یک گام موثر و راهبردی محسوب می شود. اکنون ظرفیت های سپاه و بسیج برای تحقق اقتصاد مقاومتی، بسیار فراوان تر از آن چیزی است که دولت به آن توجه دارد. اگر دولت توجه بیشتری به این ظرفیت ها داشته باشد، به طور قطع در بسیاری از حوزه ها این ظرفیت ها می تواند گره گشایی نماید.

۶۳. آیا سپاه در موضوع مبارزه با مفاسد اقتصادی، مالی و ارزی ورود دارد؟

سازمان اطلاعات سپاه به عنوان ضابط قضایی در این عرصه فعال است و تاکنون اقدامات خوبی را انجام داده است. مشکل اصلی مبارزه با مفاسد اقتصادی عمدتاً در حوزه اجرایی و قضایی است. امید است، حکم حکومتی مقام معظم رهبری به دستگاه قضایی این مشکلات به حداقل رسیده و مبارزه واقعی با فساد شکل بگیرد.

۶۴. علت این همه تخریب در فضای مجازی علیه سپاه چیست؟

در پشت صحنه تخریب ها و هجمه ها علیه سپاه سه گروه قرار دارند:

الف) دشمنان بیرونی و جبهه استکبار با محوریت آمریکا.

ب) برخی از گروه‌ها و چهره‌های داخلی فاصله گرفته از مسیر انقلاب.

ج) جریان ضد انقلاب با محوریت منافقین

هر یک از این سه گروه در سال‌های گذشته، سپاه را اصلی‌ترین مانع سر راه رسیدن به اهداف خود ارزیابی کرده‌اند. آمریکایی به اعتراف آقای ترامپ در ۱۷ سال گذشته، هفت هزار میلیارد دلار در منطقه خرج کرده هیچ دستاوردی نداشته‌اند. به عبارتی آمریکایی‌ها تمامی سیاست‌ها، طرح‌ها و برنامه‌هایشان در منطقه با شکست مواجه شده و آنان سپاه پاسداران را عامل اصلی ناکامی‌های خود می‌دانند.

صهیونیست‌ها و سعودی‌ها هم سپاه را عامل ناکامی‌های خود در سیاست‌های منطقه‌ای ارزیابی می‌کنند. بنابراین در سال‌های گذشته، این کشور برای تخریب سپاه در جامعه ایران از طریق سرمایه‌گذاری در رسانه‌های فارسی زبان تلاش‌های فراوانی به عمل آورده‌اند. اکنون آمریکایی‌ها به این جمع بندی رسیده‌اند که تنها راه سلطه به ایران، عبور از انقلاب اسلامی است و برای عبور از انقلاب در ایران باید پاسداران این انقلاب را در نزد مردم ایران بی اعتبار ساخت. متهم ساختن سپاه به فساد، ماجراجویی در منطقه، اختلاس در اقتصاد ایران و ده‌ها مورد اتهامی دیگر که از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای و در فضای مجازی دنبال می‌شود همگی در همین راستا است.

جریان ضد انقلاب و از جمله منافقین هم طی چهل سال گذشته، سپاه را عامل اصلی شکست‌های خود ارزیابی می‌کنند و بر همین اساس با استفاده از ابزار رسانه و عملیات روانی با دروغ پردازی به تخریب سپاه روی آورده‌اند. برخی از وادادگان داخلی، استحاله شده‌ها و ریزش‌های انقلاب هم که در سال‌های اخیر به دنبال ایجاد انحراف در مسیر انقلاب بودند و سپاه در مقابل آنان ایستاد، به جمع تخریب‌کنندگان و حمله‌کنندگان به سپاه پیوستند جریان فتنه و کسانی که در سال ۱۳۸۸ به دنبال براندازی از طریق کودتای مخملی در کشور بودند، اینها سپاه را از عوامل اصلی ناکامی خود در آن توطئه می‌دانند بنابراین در پشت صحنه تخریب‌ها و هجمه‌ها علیه سپاه این گروه‌ها قرار داشته و اکنون به یک هم افزایی رسیده و این فضای سنگین علیه سپاه را تشکیل داده‌اند.

۶۵. آمادگی سپاه برای دفاع از کشور در صورت حمله نظامی دشمن به چه میزان است؟

حمله نظامی در کار نیست و دلیل اصلی آن، ناتوانی دشمن در تحقق اهداف از طریق جنگ است نیروهای مسلح کشور و از جمله سپاه جمهوری اسلامی و ملت ایران را در موقعیت اقتدار دفاعی در سطح بازدارندگی قرار داده‌اند، سپاه برای یک نبرد نامتقارن با دشمن در منطقه، از امکان‌ها، موقعیت‌ها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های بسیار بالا و بعضاً ناشناخته برای دشمن برخوردار است بنابراین همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند: «جنگ نخواهد شد»

۶۶. رویکردهای سپاه در شرایط کنونی کشور با توجه به نقشه‌های جدید دشمن با هدف ایجاد اغتشاش و آشوب در کشور در بستر نارضایتی‌های مردم به خاطر مشکلات اقتصادی و وجود پاره‌ای از مفاسد چیست؟

کشور و انقلاب در چهلمین سال عمر جمهوری اسلامی در شرایط خطیر و حساسی قرار گرفته است. دشمنان با محوریت آمریکا قصد دارند به بهانه‌های واهی، شدیدترین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را اعمال نموده، با عملیات روانی و فشارهای عملی، نارضایتی در کشور را به اوج رسانده و به زعم خود ایران را به آشوب بکشانند در چنین شرایطی می‌توان عمده‌ترین رویکردهای سپاه را در موارد زیر برشمرد.

الف) کمک به تمامی دستگاهها و خصوصاً به دولت برای مقابله با تحریم‌ها و حل مشکلات اقتصادی کشور.

ب) کمک به تمامی دستگاهها و خصوصاً به قوه قضاییه برای مبارزه با فساد و مفسدین.

ج) جهاد اقتصادی و محرومیت زدایی و کمک به اقشار آسیب‌پذیر.

د) همراهی با مطالبات به حق مردم از طریق مطالبه‌گری از دستگاهها

ه) رصد دقیق تحركات دشمن و جریان ضد انقلاب و کمک به تمامی دستگاههای متولی برقراری نظم و امنیت در کشور.

و) بصیرت‌افزایی و روشنگری نسبت به نقشه‌های دشمن.

ز) شتاب بخشی در انجام پروژه‌های ملی موثر در تحقق اقتصاد مقاومتی.

ح) رصد دقیق تحركات دشمن در منطقه و تقویت اقتدار دفاعی در هم‌افزایی با دیگر نیروهای مسلح.

ط) تقویت تمامی مولفه‌های انسجام بخشی داخلی و خنثی‌سازی ترفندهای تفرقه افکنانه دشمن.

فصل دهم: مسایل منطقه‌ای

۶۷. شبکه ماهواره‌ای و همچنین در شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی سپاه متهم است که پول‌های ملت ایران را در کشورهای چون سوریه و عراق هزینه می‌کند و اگر این پول‌ها در ایران هزینه می‌شد، اکنون ملت ایران چنین مشکلات اقتصادی را نداشت، پاسخ چیست؟

این نوع تبلیغات که در حجم وسیع در حال انجام است یک دروغ بزرگ بیش نیست. آنان این دروغ بزرگ را می‌گویند و به شکل‌های مختلف آن را تکرار می‌کنند، تا شاید بتوانند نظام اسلامی را تحت فشار افکار عمومی در داخل ایران، وادار به عقب نشینی از سیاست‌های منطقه‌ای‌اش کنند.

همه می‌دانند که تروریسم در منطقه دست پرورده آمریکایی‌ها و متحدین آنان از قبیل صهیونیست‌ها و سعودی‌ها است آنان از طریق جنگ نیابتی به دنبال شکست مقاومت و مقابله با جمهوری اسلامی بودند که ناکام ماندند. برای اثبات دروغ بودن این حرف‌ها، توجه به نکات زیر کفایت می‌کند:

الف) حضور ایران به صورت مستشاری در عراق و سوریه از طریق سپاه، با هدف تامین منافع ملی و در صدر این منافع امنیت ملی ایران انجام گرفت. اگر این حضور در سال‌های اخیر نبود، اکنون چه بسا شهرهایی از ایران به مراتب ویران‌تر از شهرهای سوریه و عراق شده بود و از این امنیت مطلوب هم خبری نبود.

ب) ایران هیچ پولی در عراق که کشوری دارای درآمد نفتی است، خرج نکرده و دولت عراق تامین کننده تمامی هزینه‌های برقراری امنیت در کشور بوده است.

ج) حجم هزینه‌های ایران در منطقه برای تامین امنیت ملی و مقابله با توطئه‌های دشمنان یک رقم بسیار ناچیز است. اگر بخواهیم این رقم ناچیز را تصور کنیم کافی است به دو عدد توجه شود آقای ترامپ با صراحت

گفت: آمریکا طی ۱۷ سال گذشته (از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷) هفت هزار میلیارد دلار در جنگ‌های خاورمیانه هزینه کرده و به هیچ چیزی دست نیافته است.

طبق آمار رسمی دولت ایران، درآمد ارزی جمهوری اسلامی در این سال‌ها حدود ۱۲۵۰ میلیارد دلار بوده است. به عبارتی درآمد کل دولت ایران در ۱۷ سال، حدود یک ششم پولی بوده که آمریکایی‌ها در این منطقه برای سلطه بر ملت ما هزینه کرده‌اند. از این رقم معمولاً سالیانه کمتر از چهاردرصد به بودجه دفاعی کشور اختصاص یافته است و از این بودجه دفاعی، رقم ناچیزی به تامین امنیت در منطقه تعلق گرفته است با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت، در برابر هر چند صد دلاری که آمریکایی‌ها در این منطقه خرج کردند تا ایران را نابود سازند، جمهوری اسلامی یک دلار هزینه کرده و دشمن را ناکام نموده است.

۶۸. حضور ایران در سوریه چه تأثیری بر امنیت داخلی ما دارد؟

امروزه کشوری هستیم با امنیت پایدار، البته می‌دانیم امنیت در هیچ کشوری مطلق نیست و نسبی است؛ اما همین امنیت نسبی ما در کشور نسبت به دیگر کشورهای منطقه بسیار بالاست و هیچ کشوری در منطقه امنیتی همچون ما ندارد. در واقع سطح امنیت ما در تراز جهانی بسیار مطلوب است. یکی از دلایل آن، این است که ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی باز شده و امروز جمهوری اسلامی نفوذ راهبردی در منطقه پیدا کرده است. معنای این نفوذ راهبردی در منطقه این است که جمهوری اسلامی ایران به مؤلفه‌هایی از قدرت دسترسی پیدا کرده است که می‌تواند به راحتی امنیت ملی و منافع خودش را تأمین کند. ما اگر بخواهیم این حضور را لمس کنیم که چگونه در امنیت ملی ما ایفای نقش دارد، فقط کافی است نگاهی به اسناد و مدارک گروه‌های تروریستی به ویژه داعش بیندازیم که به صراحت گفته‌اند پس از عراق و سوریه نوبت ایران است. پس اگر در آنجا تثبیت شده و موفق به پایداری در این دو کشور می‌شدند، با توان مضاعف و بیشتری وارد کشور ما می‌شدند، همان‌گونه که از کشورهای گوناگون وارد سوریه شدند. هزاران نفر از آنهایی که به سوریه آمده‌اند، از کشورهای اروپایی، آمریکایی یا آفریقایی هستند که از منطقه قفقاز، عربستان، افغانستان و پاکستان آمده‌اند. اینها را کسی هماهنگ کرده و به سوریه و عراق آورده است. هدف آنها هم همان‌طور که خود اشاره کرده‌اند، ضربه زدن به ایران به منزله محور مقاومت و بیداری اسلامی است؛ از این رو خیلی روشن است که اگر ما این حضور را در سوریه برای مقابله با حرکت‌های تروریستی به ویژه گروه تروریستی داعش نداشتیم، اوضاعی که در کشور ما پدید می‌آمد، می‌توانست بدتر از کشور سوریه باشد.

از این رو اگر در اینجا امنیت به خوبی برقرار است، محصول این حضور و فداکاری‌ها، شجاعت‌ها، رشادت‌ها و خون‌های پاک است که بر زمین ریخته شده است. به راستی این شهدا صرفاً شهدای مدافع حرم نیستند؛ بلکه اینها شهدای مدافع حریم امنیت نیز هستند، یعنی ضمن دفاع از حریم اهل بیت (ع) در سوریه و عراق، آنها با این حضور و رشادت‌های خود از حریم امنیت ملت ایران دفاع کردند. اگر ما بخواهیم این امنیت

پایدار را استقرار ببخشیم، به طور قطعی باید این حضور استمرار داشته باشد؛ یعنی این حضور ما در سوریه و عراق و باز شدن ژئوپلیتیک ما در منطقه و تقویت روابط خود با دیگر کشورهای منطقه می تواند یک امنیت چند ده ساله و در حد یکی دو قرن را برای ما رقم بزند.

۶۹. آیا این موضوع صحت دارد که روسیه مخالف حضور نظامی ایران در سوریه است؟

آنچه تحت عنوان مخالفت روس ها با حضور ایران در سوریه در فضای مجازی و رسانه‌ای به صورت پرحجم مطرح شد، در سفر آقای ولایتی به مسکو و دیدار با پوتین در کاخ کرملین مشخص شد که تنها یک جوسازی رسانه‌ای بوده و روس ها و شخص پوتین این موضوع را به شدت تکذیب کردند. ما با روس ها در سوریه اشتراک منافع داریم و به یقین خروج ایران از سوریه خروج روس ها را از این کشور در پی دارد و به احیای تروریسم در این کشور کمک می کند؛ لذا روس ها هم متوجه این موضوع هستند و این حضور ما و روس ها در سوریه در راستای تأمین منافع دو ملت و به درخواست حاکمیت سوریه برای تأمین منافع آنها بوده است.

چون سوریه در معرض یک توطئه منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد و ملت و حاکمیت سوریه مورد توطئه واقع شده‌اند، اگر این توطئه به نتیجه برسد، منافع دیگر دولت‌ها و حکومت‌ها در منطقه تحت تأثیر مثبت یا منفی قرار خواهد گرفت. از جمله منافع ما در سوریه و منافع ملت روسیه تهدید می شود، لذا اشتراک منافع این همکاری در سوریه میان ایران و روسیه اقتضا می کند.

۷۰. چرا همه مشکلات را در ایران به سوریه ربط می دهند؟

ارتباط دادن مشکلات اقتصادی ایران به سیاست‌های کشورمان در منطقه بویژه در سوریه به امری متداول در ادبیات مقامات غربی تبدیل شده است. این جمله را زیاد از مقامات آمریکایی می شنویم که دولت ایران پول مردم خود را در سوریه خرج می کند. همچنین زیاد در گوشه و کنار ایران و در کوچه بازار می شنویم که اگر در سوریه دخالت نمی کردیم و هزینه نمی کردیم این مشکل یا آن مشکل را نداشتیم.

متأسفانه شکاف عظیمی بین واقعیت‌های بر روی زمین در منطقه با اذهان مردم وجود دارد که ناشی از دو مورد است؛ تبلیغات و تلاش گسترده دشمنان و ضعف رسانه‌های داخلی در اقناع و توجیه افکار عمومی. در پاسخ به این سوال، اول باید از آمریکایی‌ها پرسید شما چرا هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای خود به خودتان حق دخالت می دهید اما از ما می خواهید نسبت به وضعیت همسایگانمان بی تفاوت باشیم.

برای درک بهتر زورگویی و زیاده خواهی آمریکا اجازه بدهید هزینه‌های آمریکا و ایران را در منطقه خودمان مقایسه کنیم.

بر اساس گزارشی که موسسه مطالعاتی «واتسون» در دانشگاه «براون» انجام داده، و یک سال قبل منتشر شد هزینه جنگ‌های ایالات متحده آمریکا در افغانستان، عراق، سوریه و پاکستان از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۷ به

مبلغ ۵.۶ تریلیون دلار یعنی نزدیک به ۶ تریلیون دلار رسیده است. این میزان، بیشترین هزینه جنگی امریکا در بیرون از این کشور است که از سوی مالیات‌دهندگان آمریکایی، پرداخت شده است. یعنی برای هر مالیات‌دهنده آمریکایی رقمی معادل ۳۷ هزار دلار. هرچند خود ترامپ اخیراً این رقم را هفت تریلیون دلار اعلام کرد و آن را «حماقت» خواند.

اما درباره هزینه‌های ایران در منطقه آمار رسمی وجود ندارد اما حتی اگر آنچه در رسانه‌های خارجی آمده و برآورد نهادهای بین‌الملل را منبع قرار دهیم هزینه‌های ایران در طول هفت سال جنگ سوریه به ۴۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد. جسی شاهین سخنگوی دفتر نماینده سازمان ملل در امور سوریه سال‌ها پیش اعلام کرد که ایران به طور متوسط "سالی ۶ میلیارد دلار" (معادل ۲۲ هزار میلیارد تومان با نرخ دلار بانک مرکزی) در سوریه هزینه می‌کند. بی‌بی‌سی می‌نویسد: «اگر ایران این رقم را به صورت منظم در شش سال جنگ داخلی سوریه هزینه کرده باشد، به معنی پرداخت ۳۶ میلیارد دلار است» وزارت دفاع اسرائیل نیز دو سال قبل برآورده کرده ایران سالی ۸۰۰ میلیون دلار به حزب الله و ۷۰ میلیون دلار به حماس و گروه‌های دیگر نوار غزه پرداخت می‌کند.

هر چند این رقم خیلی بیشتر از هزینه‌های واقعی ایران در سوریه به نظر می‌رسد اما اگر همین آمار را معیار قرار دهیم متوجه می‌شویم ایران علناً با دست خالی در سوریه مقابل کشورهای ثروتمند غربی و عربی ایستاده است. در عراق که ایران حضور فعال دارد نه تنها هزینه‌ای نکرده بلکه از طریق فروش تسلیحات به عراق بیش از ده میلیارد دلار درآمد داشته است. در یمن نیز هزینه‌ای ایران بسیار ناچیز بوده است. اوایل بحران یمن در جلسه‌ای غیررسمی که در وزارت خارجه برگزار شده بود قائم مقام وزیر خارجه گفت که کمک‌های ایران به انصارالله ۲۰ میلیون دلار بوده است. این در حالی که هزینه عربستان در جنگ یمن بنابر برآورد بوریس رایدل افسر سابق سیا در موسسه بروکنیگز در هر ماه معادل ۵ الی ۶ میلیارد دلار برآورده شده است.

عمده هزینه ایران در سوریه انسانی بوده است ما عده‌ای از بهترین فرماندهان و سربازان خود در این جنگ از دست دادیم هر چند در مقایسه با پیچیدگی و گسترده جنگ سوریه این تعداد از نظر کمی ناچیز به نظر می‌رسد اما خوب از لحاظ کیفی سنگین هست.

واقعیت این است که ایران در مقایسه با دشمنان خود کم‌ترین هزینه و بیشترین دستاوردها را داشته است و شکست‌های سنگینی به پروژه نظام سلطه وارد کرده‌اند و در این جنگ پیچیده تاریخ پیروز بیرون آمده‌اند. کافی است تا هفت هزار میلیارد دلار را در مقابل - اگر دست بالا بگیریم - پنجاه میلیارد دلار هزینه‌های ایران قرار دهیم تا بدانیم چقدر هزینه ما در این زمینه ناچیز است. اما در عوض پرسید آمریکا چه به دست آوردند و ایران چه به دست آورد؟

خود ترامپ بارها اعلام کرده آمریکا چیزی گیرش نیامده است. واقعیت این است با همه این سرمایه‌گذاری‌هایی نجومی نتایج جنگ سوریه نه تنها دمشق سقوط نکرد و روند جنگ بحران بر اساس خواست غرب

پیش نرفت بلکه آنچه از دل مبارزه با تروریسم وهابی بیرون آمده است برای آمریکا و متحدانشان به مثابه کابوس می ماند. شبکه های قدرتمند از نیروهای مردمی و محلی شکل گرفته که ویژگی مشترک آنها مقابله با زورگویی و سلطه آمریکا است.

برای اولین بار نه در تاریخ جمهوری اسلامی بلکه شاید در تاریخ ایران حکومت مرکزی از طریق زمینی به سواحل مدیترانه دسترسی پیدا می کند. اما متأسفانه این دستاوردهای عظیم و تاریخی با مشکلاتی که وجود دارد نه تنها دیده نمی شوند بلکه گاهی مورد ظلم نیز قرار می گیرند.

برای فهم و درک عمق عملکرد ایرانی در پرونده سوریه بهتر است اینگونه مسئله را مطرح کنیم که اگر نمی رفتیم چه اتفاقی می افتاد؟

بهترین پاسخ به این سوال نگاه به سرنوشت کشورهای است که دولت مرکزی توسط عامل خارجی سقوط کرده اند. شاید لیبی مثال خوبی باشد با گذشت چند سال از سقوط معمر قذافی لیبی نه تنها به دموکراسی و توسعه دست نیافته بلکه این کشور چند پاره شده و شاید هم چند سال صد سال عقب برگشته است چرا که شاهد رواج برده فروشی در آن کشور هستیم. وضعیت عراق و افغانستان دست کمی از لیبی ندارند: هر روز انفجار هر روز بمب گذاری.

شاید خیلی ها بگویند در اوایل بحران داعش و القاعده ای وجود نداشت و این دخالت های ایران و یا سرکوب های بشار اسد بود که باعث شد تا مخالفان افراطی شوند و از دل آنها داعش و القاعده شکل بگیرد. در مقابل از اینها پرسید مگر در لیبی، مصر و یا حتی فلیپین بشار اسد و یا سپاه حضور داشتند که داعش شکل گرفت و فعال است؟

از طرف دیگر اگر دمشق سقوط می کرد عواقب آن تنها محدود مرزهای سوریه نمی شد و زیاد سخت نیست تصور اینکه گروه های تروریستی به راحتی عراق را به تصرف در می آورند و به راحتی به مرزهای کشورمان می رسیدند - کما اینکه با تضعیف دولت مرکزی در سوریه و عراق تا حدودی نیز موفق شدند و به دروازه های بغداد و اربیل رسیدند.

اساساً موقعیت ژئوپلیتیک ایران و نقش کلیدی که منطقه در معادلات بین المللی دارد به گونه ای است که هیچ دولت و حکومتی در ایران نمی تواند نسبت به تحولات کشورهای همسایه خود بی تفاوت باشد. هر حکومتی در ایران سرکار بود مجبور بود در سوریه حضور فعال داشته حالا ممکن است شکل و نوع فعالیتش فرق می کرد و متفاوت بود.

از بعد انسانی نقشی که ایرانیان در این جنگ سرنوشت ساز ایفا کردند تا جلوی قتل عام گسترده مسیحی ها، ارمنی ها، دورزی ها، ایزدی ها، شیعیان و حتی سنی ها بگیرند تنها با گذشت زمان آشکار خواهد شد و تاریخ در این زمینه بهتر قضاوت خواهد کرد که چگونه ایرانیان نه تنها در نجات مردمان خاورمیانه بلکه کل جهان نقش حیاتی ایفا کردند.

از زوایه سیاست بین الملل، جنگ سوریه روسیه و چین را به تئاتر خاورمیانه کشید و سد محکم در مقابل یکجانبه گرایی آمریکا شکل گرفت. امروز ما در آستانه یک تغییر اساسی در نظم سیاسی، اقتصادی و مالی جهان هستیم. مراکز قدرت جدید در حال ظهور هستند و قدرتهای قدیمی آخرین نفسهای خود را میکشند.

۷۱. سفر آقای دکتر ولایتی به روسیه را چگونه ارزیابی می کنید؟

این سفر در واقع به گونه‌ای انجام شده که بر اساس اعلام رسانه‌ها، آقای ولایتی حامل پیام بودند، هم از ناحیه رهبر معظم انقلاب اسلامی و هم از ناحیه ریاست محترم جمهوری و بر اساس آنچه خود آقای ولایتی در رسانه‌های عمومی مطرح کردند سفری بود فوق‌العاده مهم و راهبردی با دستاوردهای ارزشمند که خود نشان‌دهنده عزم و اراده ایران و روسیه در سطح عالی‌ترین مقامات برای ارتقای روابط ایران و روسیه به سطح راهبردی بود، آنچه در سال‌های گذشته مطرح می‌شد، ولی در عمل کمتر پیگیری شد و خروج آمریکا از برجام این نگاه را در ایران بیشتر تقویت کرد که ما در واقع خیلی امید نداشته باشیم که کشورهای غربی و به ویژه آمریکایی‌ها از ما مشکل‌گشایی کنند و ما باید از ظرفیت‌های دیگر بهره بیشتری داشته باشیم. وقتی می‌توانیم از ظرفیت روس‌ها و چینی‌ها با رهیافت تقویت نگاه به شرق استفاده کنیم و نتیجه‌بخش هم است، به طور حتم این نگاه که حتی در گذشته نیز نتایج آن را در اوضاع سخت تحریم مشاهده کردیم، باید در کانون توجهات مسئولان قرار گیرد. نباید به وعده و وعیدهای غربی‌ها، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دل خوش کنیم که با هر شرایط جدیدی یک اتفاق جدید را رقم می‌زنند که در موضوع توتال مشخصاً این امر را مشاهده کردیم. توتال بعد از برجام آمد و خیلی راحت وقتی آمریکایی‌ها تحریم‌های جدید تحت عنوان تحریم‌های ثانویه را وضع کردند، برای مقابله با شرکت‌هایی که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند دیدیم که خیلی راحت و بدون توجه به عهدشکنی خود، ایران را ترک کردند و موضع‌شان را تغییر دادند.

۷۲. مدتی است شاهد سیاست‌های فزاینده ضد ایرانی سعودی‌ها هستیم. صبر استراتژیک

ایران در برابر عربستان سعودی را چگونه ارزیابی می کنید؟

به هر حال جمهوری اسلامی ایران یک کشور منطقه‌ای و یک قدرت منطقه‌ای است و روند قدرت‌گیری آن یک روند قدرت رو به توسعه است و این کاملاً مشهود است و همگان این را می‌دانند، خب متأسفانه در منطقه در کشوری مانند عربستان رژیم حاکم است که رویکردهای ضد منافع ملت خود را هم در پیش گرفته و امروز می‌بینیم که عامل اصلی کشتار در جهان اسلام رژیم سعودی است، به گونه‌ای که بحث جنگ یمن را بدون هیچ توجیهی به راه انداختند و پشت سر عمده گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه بودند و در برابر ما خط‌ونشان‌های بسیاری می‌کشند، اما کشور ما کشور قدرتمندی است و در راستای تأمین منافع ملت ایران حرکت‌های خودش دارد، آستانه این صبر استراتژیک تا آنجاست که منافع ملی ما آسیب نبیند، نمونه‌اش را دیدیم، زمانی که آمریکا موضوع به صفر رساندن صادرات نفت ایران را مطرح کرد و آن طرف از عربستان

خواستند که تولید نفت خود را افزایش دهد و رفع نگرانی کنند از خریداران نفت جمهوری اسلامی ایران، موضعی قاطع اتخاذ کرد و این یعنی نوعی تهدید برای عربستان و پیام به آنها بود که بدانند کسی نباید تصور کند که می‌تواند در زمین آمریکا علیه ما بازی کند و منافع ما را به چالش بکشد، ولی هیچ‌گونه خطر و تهدیدی متوجه او نباشد. تهدیدی که جمهوری اسلامی به کار بست در مقطعی بود که یک نقشه شیطانی طراحی شده بود با این هدف که منافع ملت ما و امنیت ملی ما را مختل کنند و لذا آستانه صبر استراتژیک ما تا آنجایی است که به منافع، حقوق و امنیت ملت ما خدشه‌ای وارد نشود.

۷۳. وضعیت رژیم صهیونیستی در منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امروز مقامات رژیم صهیونیستی نگران تحولات و روند آن در منطقه هستند، به گونه‌ای که آنها احساس می‌کنند روز به روز در تنگناهای استراتژیک بیشتری قرار می‌گیرند. به هر حال آرزوی این رژیم این بود که گروه‌های تروریستی در سوریه موفق شوند و مقاومت را در منطقه دچار انزوا و فروپاشی کنند. همه تصورشان این بود که اگر رژیم بشار اسد در سوریه سقوط کند، آسیب‌پذیری حزب‌الله بیشتر می‌شود و رابطه بین ایران و حزب‌الله قطع خواهد شد و این رابطه که قطع شد، موجودیت مقاومت از بین می‌رود. ولی امروز اتفاق دیگری افتاده و جهت پیکان روندهای منطقه‌ای به تثبیت بشار اسد تغییر رویه داده و جمهوری اسلامی ایران در سوریه نفوذ راهبردی پیدا کرده و حزب‌الله قدرتش نسبت به قبل افزایش یافته است و از سوی دیگر در شبه جزیره در یمن انصارالله قدرت بیشتری پیدا کرده و امروز رژیم صهیونیستی احساس می‌کند در محاصره‌ای قرار دارد که هر لحظه دایره آن تنگ‌تر می‌شود و در داخل خود سرزمین‌های اشغالی و نوار غزه هم مقاومت فعال‌تر شده و فشار داخلی با انتفاضه‌های جدید در حال شکل‌گیری است. آنها نگران آینده خود هستند و برخی از مقامات صهیونیستی اعتراف کرده‌اند که آنچه رهبر معظم انقلاب سه چهار سال پیش مطرح کردند مبنی بر اینکه، رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نمی‌بیند، در مسیر تحقق است.

۷۴. با توجه به اینکه بخش زیادی از مشکلات فعلی به دلیل دیپلماسی ضعیف دستگاه

سیاست خارجی ما است، آیا تغییر وزیر امور خارجه می‌تواند این مشکلات را کم

کند؟

مهم‌تر از تغییر آدم‌ها و افراد، تغییر رویکردها و جهت‌گیری‌ها است، امروزه، تأکید بر این است که رویکرد دیپلماسی ما در سیاست خارجی متناسب با وضعیت اقتصادی و نگاه آرمانی انقلاب اسلامی باشد و هر کسی که این رویکردها را دنبال می‌کند، آورده‌هایش برای انقلاب اسلامی و کشور است. البته لازمه اصلاح رویکردها، این است که باور به این رویکردها باید در مسئولان دستگاه دیپلماسی کشور وجود داشته باشد. اگر فردی وزیر خارجه باشد و خیلی به این اعتقاد نداشته باشد که دستگاه دیپلماسی ما می‌تواند در منطقه و به ویژه مناطق نزدیک برای کالاهای ایران بازاریابی کنند، این برای ما مشکل‌گشا نیست.

امروزه، برخی صنایع و تولیدات در کشور وجود دارد که دستگاه دیپلماسی ما در عراق، افغانستان، سوریه، عمان و کشورهای اطراف می‌تواند برای آنها بازاریابی کند. رهبر معظم انقلاب روی این موضوع تأکید دارند که ما در اطرافمان یک بازار با جمعیت ۳۰۰ میلیونی داریم و باید افزون بر اینکه در داخل به منظور حمایت از تولید ملی راه را بر کالای قاچاق می‌بندیم؛ دستگاه دیپلماسی هم باید کمک کند تا بخش‌های بازرگانی و اتاق بازرگانی بازاریابی مطلوبی را در منطقه‌ای با حداقل ۳۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد. این موضوع نیازمند یک باور است و کسی که در دستگاه دیپلماسی وزیر می‌شود، باید این باور را داشته باشد و اهتمام بورزد. در سال‌های گذشته، در دستگاه دیپلماسی یک فرصت طولانی برای برجام صرف شد که آورده چندانی برای ما نداشت و یک فرصت مهم ما را سوزاند. از این به بعد نباید این فرصت‌ها را از دست بدهیم. در واقع، رویکردها مهم است و کسی که در دستگاه دیپلماسی کشور است، باید به این رویکردها باور داشته باشد.